نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال چهاردهم - شماره ۶۴۵ - یک شنبه ۲۰ آذر ماه ۱۳۹۰ - ۸ صفحه - ۳۰۰ تومان





فتنه ته لنجی یا فتنه گرسنگی؟!

صفحه ۵

نقدی بر سخنان استاندار بوشهر



Photo : Hossein Heidarpoor WWW. BUZ - SPORT. IR

پورفاطمی در نطق پیش از دستور مجلس مطرح کرد:



احمدی نژاد توقعات را بالا برد، اما پشت درهای بسته کالای ملوانی را کاهش داد

صفحه ۲

نوحه‌خوانی سنتی بوشهر در مسیر بیراهه؟!

صفحه ۴

دعوت از دوستداران قلم

نظر به این که انجمن دوستداران قلم توسط عده ای از اهالی فرهنگ و ادب تشکیل شده و با شماره ۳۲۰ در مورخه ۹۰/۹/۹ به ثبت رسیده است. از کلیه ی دوستداران قلم اعم از شاعران، نویسندگان، هنرمندان و روزنامه نگاران دعوت می شود به منظور آشنایی اهداف و زمینه های فعالیت این انجمن و آگاهی از شرایط عضویت در آن در نشستی که در ساعت ۱۶ روز پنج شنبه ۹۰/۱۰/۱ در محل خانه ی مطبوعات محلی بوشهر واقع در بوشهر - خیابان امام رضا(ع) - جنب پارک بانوان تشکیل می گردد، شرکت فرمایند.

هیأت موسس انجمن : محسن شریف - خورشید فقیه - رضا معتمد - سینا برازجانی - مهدی جهانبخشان

خانواده محترم و گرامی سمیرونی

به راستی چگونه باور کنیم فراق دوستی را که ده ها سال با او مأنوس بودیم. هرگاه سختی ها و ناگواری های زندگی بر ما فشار می آورد دیدار او که سرشار از صداقت، صمیمیت، احساس و عاطفه بود ما را آرام و به حرکت امیدوار می کرد. مرحوم سمیرونی به راستی مردی پاک، وارسته و صاحب فضایل انسانی بود. گرچه سال ها با مسایل مالی سر و کار داشت و خود در رأس چنین موسساتی قرار گرفت، اما پاک زیست و با خلق خدا بااخلاق خداپسندانه سر کرد و کیسه ای برای خویش ندوخت. آن چه او اندوخت نیکی بود و پاکی.

ما هم فقدان این عزیز را به سنگینی احساس می کنیم اما به شما تسلیت می گوییم و از خداوند رحمان و رحیم می خواهیم که آن فقید سعید را با ابرار و نیکان محشور نماید و به همه بازماندگان صبر و شکیبایی همراه با طول عمر با عزت عنایت فرماید.

«اکبر درخشنده - حاج ابراهیم روشن بین - علی قنبر پور - محمد قنبرپور - علیرضا مظفری زاده»

قابل توجه کلیه مهندسین عضو سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر

به اطلاع می رساند مجمع عمومی سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر رأس ساعت ۱۵:۰۰ روز دوشنبه مورخه ۹۰/۱۰/۰۵ در محل سالن اجتماعات مجتمع فرهنگی هنری بوشهر واقع در میدان رئیسعلی دلواری برگزار می گردد.

لذا از کلیه اعضاء جهت شرکت در این مجمع عمومی دعوت بعمل می آید. ضمناً در صورتیکه مجمع به حد نصاب لازم نرسد طبق ماده ۵۵ اصلاحیه قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان جلسه مجمع عمومی فوق العاده در همان روز، دوشنبه مورخه ۹۰/۱۰/۰۵ رأس ساعت ۱۷:۰۰ در همان محل تشکیل می شود.(دستور کار:ارائه بیلان مالی سال ۱۳۸۹)

سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر

اطلاعیه تأسیس انجمن صنفی کارفرمایی

در رشته راه و ترابری شهرستان بوشهر

به استناد ماده ۱۳۱ قانون کار وآیین نامه مصوب ۷۱/۱۰/۶ هیئت وزیران انجمن صنفی با عنوان فوق در شرف تأسیس می باشد.

کلیه کارفرمایان شاغل در صنف مزبور در صورت تمایل به عضویت از تاریخ انتشار این اطلاعیه ظرف ده روز می توانند درخواست کتبی خود را به نشانی بوشهر - خ شهید مطهری - کوچه عرفان ۲۴ - پلاک ۳۵ - دفتر شرکت سازه های بوشهر دریا شماره ۳۵۳۲۵۶۷ - ۵۵۵۴۷۳۰ - ۰۷۷۱ ارسال یا فاکس نمایند.

تاریخ انتشار:۹۰/۷/۱۰ خ ش ۹۰/۷/۱۰

۱- شرکت مهس سازان ۲- سازه های بوشهر دریا ۳- نورپرور سید عبدالله رضوی

سیدعبدالله رضوی - علی حسین گل محمدی - محمدصادق صادقی

پورفاطمی در نطق پیش از دستور مجلس مطرح کرد:

احمدی نژاد توقعات را بالا برد، اما پشت درهای بسته کالای ملوانی را کاهش داد

۸ پیشنهاد پورفاطمی برای ته لنجی

نماینده دشتی و تنگستان در مجلس شورای اسلامی در نطق پیش از دستور خود که با انتقاد از ابلاغیه جدید دولت برای محدود کردن کالای همراه ملوانی همراه بود، ۸ پیشنهاد برای برون رفت از مشکل رخ داده عنوان کرد. بخش هایی از نطق پورفاطمی که در ۹ آذرماه مجلس مطرح شده به شرح زیر است:

ارتباط یک سوم جمعیت استان با دریا

* اخیرا هیأت محترم دولت با مصوبه ای، تنها ممر درآمدی مرزنشینان را در حوزه واردات کالا از بین برده و گمرکات و بنادر را در سکوتی مرگبار قرار داده است . استان بوشهر با دارا بودن بیش از ۱۰ بندر و گمرک ، بیش از ۲۰ هزار کارت ملوانی و دریانوردی در حدود ۲۴۰۰ موتور لنج فعال که هر کدام از این موتور لنج ها دست کم ۸ نفر ملوان ثابت دارند و هر ملوان نیز با در نظر گرفتن جمعیت خانوارش ۸ نفر تحت تکفل خود دارد و علاوه بر این با توجه به اینکه در اغلب گمرکات استان شرایط تخلیه و بارگیری به صورت سنتی انجام می شود حجم عظیمی کارگر و صاحبان خودروهای باری در این گمرکات فعال هستند و طبق برآورد های تحلیلی و کارشناسی صورت گرفته به صورت مستقیم و غیر مستقیم در حدود ۳۵۰ هزار نفر درگیر این قضیه هستند و از این طریق معیشت خود را تامین می نمایند .

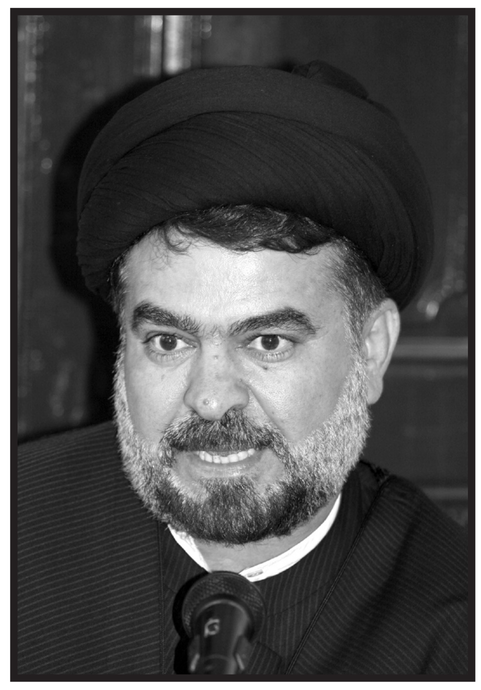
بنابراین این هر تصمیمی برای این قشر که یک سوم جمعیت استان بوشهر را در بر می گیرد نیازمند بررسی کارشناسی دقیق و همه جانبه و حرکتی تدریجی و آرام می باشد .

اکنون اقتصاد مناطق مرزی با چالش جدی مواجه شده است و با توجه به اینکه سرمایه گذاری در این مناطق صورت نگرفته و مردم مرزنشین غیر از حضور در فعالیتهای تجاری و دریانوردی جایگزین شغلی دیگری ندارند که جذب مشاغل جدید شوند، بنابراین بیکار شدن این حجم عظیم جمعیت در حوزه های مختلف تبعات صنفی ایجاد خواهد کرد .

تعطیلی بازارچه های مرزی و رکود تعاونی های مرزنشینان

* با توجه به شرایط حساس کنونی، مرزها نیاز به آرامش دارند و اولین نگرانی که در این زمینه شکل می گیرد بحث مهاجرت و خالی شدن مرزها از سکنه می باشند. در همه جای دنیا دولت به مردم ساکن در مناطق مرزی امتیازها و تسهیلاتی قائل می شود به طوری که هم بتوانند معیشت خود را تامین نمایند و هم به عنوان یک بازوی قوی دولت را در امر صیانت از مرزها همراهی نمایند .

* اکنون سوال این است دولت چه برنامه ای را تدوین نموده است که مردم در مرزها باقی بمانند. تمام برنامه هایی که زمانی برای تقویت معیشت مرزنشینان و رونق مناطق مرزی تدوین شده بود امروز هیچ کارایی ندارد . بازارچه های مرزی تعطیل شده اند . فعالیت تعاونی های مرزنشین راکد شده و عملا سودی به حال مردم ندارند. قانون مبادلات مرزی دارای ایرادات اساسی است و هیچ تسهیلات خاصی را برای مرزنشیان در نظر نگرفته



عملا جوابگوی نیازهای امروز نیست و ناکارآمد است و دست آخر اینکه دولت ورود کالاهای ملوانی را که تنها راه ارتزاق ملوانان بوده را نیز بسیار محدود کرده است.

در این صورت عرصه بر مرزنشینان تنگ شده و با وجود فشارهای اقتصادی هیچ انگیزه ای برای حضور در مرزها وجود ندارد . دولت اگر بخواهد با برنامه های نظامی به جای حضور مردم کار صیانت از مرزها را بر عهده گیرد چه هزینه گزافی بر دولت تامین می شود .

باید با مردم مدارا کرد و به دغدغه آنها گوش داد

* اگر در مناطق مرزی مردم شغل خود را از دست دهند مرزها نا امن شود قاچاق بیشتر شود چه کسی در این شرایط سود می برد؟ و آیا این موضوعات در حوزه امنیتی و سیاسی برای مناطق مرزی و منافع ملی چالش ایجاد نمی کند؟ منطق حکم می کند اگر به مردم می گوئیم که از فعالیت اقتصادی و تجاری که سالیان متمادی انجام می دادند دست بکشند باید جایگزینی را به آنها معرفی کنیم.

* شاید دولت بتواند با بخشنامه و مصوبات صادره ورود کالاهای ملوانی را محدود کند ولی مسلما نمی تواند با بخشنامه از تبعات امنیتی و اجتماعی آن جلوگیری کند. در این صورت باید با مردم مدارا کرد و به دغدغه آنها گوش داد .

احمدی نژاد پیمان خود را نقض کرده

* افکار عمومی استان بوشهر معتقد است آقای رئیس جمهور با آنها نقض پیمان کرده است . چگونه است آقای رئیس جمهور در جمع مردم و در حین سفرهای استانی اعلام می کند ملوانان می توانند ۱۲ بار سفر دریایی بروند و توقع مردم را بالا می برد ولی در هیأت دولت و پشت درهای بسته این تعداد به ۴ بار کاهش می یابد . این چرخش برای مردم قابل هضم نیست. آیا وقت آن نرسیده است که این تغییر رویه های ناگهانی جای خودش را به تغییرات منطقی دهد.

صنعت نفت و گاز در زندگی مردم بومی این دیار نقشی ندارد

* بر کسی پوشیده نیست استان بوشهر با دارا بودن بزرگترین پایانه صادراتی نفت کشور نیروگاه اتمی ، بزرگترین تاسیسات گازی و ۷۰۷ کیلومتر مرز آبی و از لحاظ موقعیت اقتصادی و سیاسی در شرایط بسیار استراتژیک و حیاتی قرار دارد؛ اما متاسفانه این همه تاسیسات که همه کشور به آن وابسته است در زندگی و ارتقاء وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم بومی این دیار نقش بسزایی ندارند و سودی از این رهگذر عاید مردم بومی و مرزنشینان نمی شود .

آیا برای دولت زیبنده است که مردم بوشهر زندگی فقیرانه ای داشته باشند؟

* از **سویی دیگر** دولت حاضر به اجرای مصوبه خودش در زمینه اشتغال ۵۰ درصد نیروهای بومی در تاسیسات نفت و گاز استان نمی باشد . با این حال مردم نوار مرزی با توجه به اینکه در مناسبات کلان اقتصادی استان جایگاهی ندارند و به بازی گرفته نمی شوند ناگزیر به سمت شغل سخت دریانوردی می روند . اما دولت با مصوبه اخیر خود این راه درآمدی را هم بر مردم بسته است . آیا برای دولت زیبنده است که مردم استان بوشهر با وجود این همه تاسیسات نفت و گاز زندگی فقیرانه ای داشته باشند؟

* مطابق بر آورد کارشناسان مطلع در حوزه دریایی هزینه یک سفر دریایی برای یک شناور و یا موتور لنج بعد از هدفمند شدن یارانه ها رقمی در حدود ۱۰ میلیون تومان می باشد . نکته قابل تامل اینکه یک شناور به طور مستقیم حداقل ۲۰ فرصت شغلی را ایجاد کرده در حالی که در همه حوزه ها ایجاد یک شغل نیازمند دست کم ۲۰ میلیون تومان سرمایه گذاری است .

با این مصوبه مالکان شناورها قادر به باز پرداخت بدهی خود به بانک ها نیستند

* در سالی که قرار است دولت دو میلیون و پانصد هزار شغل ایجاد کند از دست رفتن شغل های گذشته مردم و پیوستن این جمعیت به خیل عظیم جمعیت بیکار باعث نگرانی های بیشتر می شود. نکته دیگر اینکه اغلب موتور لنج های خریداری شده با تسهیلات دولت می باشد . بنابراین صاحبان آنها می بایست فعالیتی در این راستا داشته باشند تا بتوانند بدهی خود را به سیستم بانکی باز پرداخت نمایند . با این مصوبه مالکان شناورها قادر به باز پرداخت بدهی خود به سیستم بانکی نیستند و دولت هم در این راستا متضرر می شود .

* نظر به اینکه ملوانان اغلب مواد غذایی و مایحتاج عمومی که جنبه معیشتی داشت را وارد کشور می نمودند و بازار از این کالاها اشباع بود مردم نیز راضی بودند ولی اکنون عدم ورود این کالاها به بازار آثار تورمی ایجاد کرده به عنوان مثال افزایش چشمگیر قیمت هرکیسه برنج در مناطق مختلف استان به وضوح قابل مشاهده است چگونه است که دولت محترم در قبال میلیاردها دلار سرمایه و پول نفت که صرف خرید کالاهای مصرفی بی کیفیت می شود سکوت کرده است؟

۸ پیشنهاد پورفاطمی درباره ته لنجی

اینک با توجه به فصل بارندگی و بادهای موسمی و وجود عوامل آتش زا از جمله بنزین و گازوئیل در اسکله ها حضور توقف این همه شناور به صلاح نیست بنابراین برای برون رفت از این شرایط موارد ذیل که در کوتاه مدت و درازمدت انجام آن ضروری است پیشنهاد می گرد :

۱- جهت حفاظت از مرزهای آبی و دلگرمی مرزنشینان، هیأت محترم دولت تسهیلات مرزی تا شعاع ۳۵ کیلومتری برای مرزنشیان قائل شود و برای آنان حقوق مرزداری مصوب نماید درست همانطور که در استانهای آذربایجان غربی ، سیستان و بلوچستان، کرمانشاه و کردستان انجام داده است .

۲- با توجه به اینکه اغلب گمرکات استان ظرفیت و امکانات محدودی برای کالاهای تجاری دارند پیشنهاد می گردد دولت در ظرف زمان معین سازمان بنادر و دریانوردی را ملزم به مهیا شدن زیر ساختها و توسعه و تجهیز اسکله ها و بارانداز‌ها نماید .

۳- تخصیص تسهیلات با بهره کم جهت تبدیل موتورهای لنج های چوبی کوچک به شناورهای فلزی با تناژ بالا چرا که در کشورهای حاشیه خلیج فارس لنج های زیر ۱۰۰ تن به علت مسائل بیمه ای و ایمنی نمی توانند کالاهای تجاری حمل نمایند .

۴- عدم محدودیت در فهرست کالاهای ملوانی و قانون ساماندهی مبادلات مرزی باید ملوانان بتوانند کلیه کالاهای مجاز مشروط حمل نمایند .

۵- با توجه به اینکه مبادلات تجاری به نرخ رسمی دلار می باشد و در گمرک ارزش دلار مبنا قرار می گیرید سقف واردات کالاهای ملوانی به نرخ دلار باشد، در حالی که اکنون هر سفر ۱,۵ میلیون تومان در نظر گرفته شده است.

۶- میزان ارزش کالاهای ورودی توسط ملوانان تا سقف ۷۰۰ دلار با هفتاد درصد تخفیف سود بازرگانی با اخذ مجوزهای قانونی و با صدور پته و به صورت قانونمند. در این صورت هم ملوانان منتفع می شوند و هم دولت بخشی از عایدات خود دریافت می کند. اگر این کار صورت نگیرد به علت طولانی بودن مرزها کالاهایی وارد خواهد شد که بعضا ممنوعه می باشد و ضمن اینکه هیچ سودی عاید دولت نمی کند سلامت و امنیت جامعه نیز تهدید می شود .

۷- اعطای سهمیه ملوانی با سقف ۳۰۰۰ دلار به صورت معافیت کامل به علاوه ۳۰۰۰ دلار با معافیت ۵۰ درصد یا ۱۵۰۰ دلار معافیت برای هر ملوان و هر کدام از اعضاء تحت خود با تخفیف کامل .

۸-هیأت دولت هر ساله تخفیف ۳۰ درصدی سود بازرگانی برای کالاهای تجاری به تمام بنادر استان بوشهر اعمال نماید این معافیتهای منطقه ای در رونق کسب و کار و سرمایه گذاری های جدید بسیار موثر می باشد.

انتخاب هیئت مدیره جدید انجمن بوشهریهای مقیم تهران

در شانزدهم آبان ماه سال ۱۳۹۰ طبق مقررات و دستورالعمل های استانداری که جدیداً مسئولیت نظارت بر عملکرد موسسات غیر تجاری را بر عهده گرفته و با دعوت از نماینده استانداری جهت نظارت بر روند انتخابات، در سالن شهرداری منطقه ۲ با حضور تعدادی از اعضاء انجمن برگزار شد.

ابتدا مجمع عمومی، هیئت رئیسه انتخابات را انتخاب نمود. رئیس جلسه از حضار درخواست نمود هر کس علاقمند است خود را برای عضویت در هیئت مدیره کاندید نماید. پس از کاندیداتوری برخی از اعضاء و نوشتن نامٍ آنها روی وایت بورد و معرفیٍ خود، رای گیری به شکل کاملاً مخفی بر روی فرمهائی که قبلاً توزیع شده بود صورت گرفت و به نسبت آرا از بین کاندیداها پرویز هوشیار، دکتر سید جعفر حمیدی، سید مسعود رکنی (از شهرستان دشتی)، سید مهدی علوی بهبهانی، دکتر حسن رستمیان، دکتر احمد جولائی، ناصر ادیبان (از بندر دیلم)، فریده کاردانی، محمود کشاورزی (از شهرستان دشتستان) و بازرسین ماشااله عباسیان (از بندر دیلم) و علی اسکندری انتخاب شدند.

یک هفته بعد منتخبین هیئت مدیره جلسه ای برگزار کردند و بین خود جناب سید مهدی علوی بهبهانی بعنوان رئیس هیئت مدیره، دکتر سید جعفر حمیدی نایب رئیس، دکتر احمد جولائی دبیر، پرویز هوشیار خزانه دار و سید مسعود رکنی بعنوان منشی تعیین گردیدند. اعضاء هیئت مدیره جدید جهت سهولت در پیشبرد کارها تصمیم گرفت ابراهیم میگلی نژاد را بعنوان مدیر عامل انتخاب نماید. یک هفته بعد، نشست عمومی انجمن با حضور تعداد زیادی از هم استانی ها برگزار گردید. این نشست مصادف با بزرگداشت ششمین سالکوچ استاد آتشی بود. سالن با چند نوشته و عکس استاد آتشی خبر از ویژگی نشست میداد.

پرویز هوشیار به درخواست مجری پشت تریبون قرار گرفت و پس از قرائت شعر "آهنگ دیگر" و گرامیداشت یاد و خاطره استاد آتشی شیوه انتخابات و انتخاب درونی هیئت مدیره و اعلام نام اعضاء هیئت مدیره را اعلام نمود.

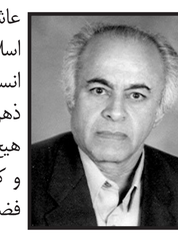
غلامعلی میگلی نژاد نماینده بوشهر، گناوه و دیلم سخنران بعدی جلسه بود که بعد از بیان موضوعاتی چند درباره کارهای انجام شده در زمان نمایندگی خود قول مساعد درباره گرفتن زمین و سالن برگزاری جلسات برای انجمن داد.

سپس دکتر سید جعفر حمیدی و سید مهدی علوی در باره انجمن و بوشهر صحبت کردند و حمید گشمردی نیز به مناسبت ششمین سالکوچ استاد آتشی شعر از سروده های خوب که برای استاد سروده بود و متنی در این باره قرائت کرد.

عاشورای حسینی

عاشورا و سرنوشت سرهای شهدا

نجف آهوچهر



عاشورا روزی محنت بار در تاریخ اسلام و مسلمین و روزی که روح انسان در برابر ستمگرانی که آزادی ذهن و اندیشه را محدود کردند تا هیچ چیز تحت نظم و قاعده درنیاید و کربلا میعادگاه این روز غم انگیز، فضای روزگار می خواست که مرکب حسینی را گذار به حوالی فرات افتد و محلی که آن روز به نام کور بابل یا شهر بابل خوانده می شد روزی زیارتگاه مسلمانان شرق و غرب گردد.
کور بابل بعدها کربلا خوانده شد و این کلمه با کرب و بلا متجانس است و اندوه و مصیبت را می رساند و در نظر مردمان آزاد طبع و حقیقت جوی محلی قابل احترام و مقدس است.
حضرت امام حسین در مدینه و سنه چهار هجری مطابق با ۶۲۵ میلادی متولد شد و در ۶۱ هجری دهم اکتبر ۶۸۰ میلادی در آن مکان یاد شده شهید گردید.
روز دهم محرم که به عاشورا مشهور شده است پس از فاجعه عاشورا درباره کیفیت سرنوشت سرهایی شهدا خبرهای گوناکون منتشر شد، آن چه که مسلم است ابن زیاد پس از واقعه ی کربلا دستور داد تا امام زین العابدین و بقیه اهل بیت را با سرهای شهدا به دمشق پیش یزید ببرند در بین راه به صومعه ای رسیدند و در آن جا فرود آمدند و سرها را از صندوق بیرون آورده بر سر نیزه کردند. راهب صومعه پرسید این سر نورانی از کیست؟ گفتند سر حسین ابن علی است. گویند او سر را به ده هزار دینار قرض کرد تا شبی نزد او بماند. قبول کردند. سر را به داخل صومعه برد و بوسید و در کنار نهاد و تا صبح گریست و صبح سر را به ایشان باز پس داد تا به دمشق بردند. (۱)
روایت دیگر این است که سرها را پیش عمرو بن سعد در مدینه فرستادند و او آن را در قبرستان بقیع مدفون کرد.(۲) عده ای گفته اند سر حضرت در خزانه ی یزید بود و پس از مرگ یزید در دمشق نزدیک در دروازه ی فرادیس دفن کردند و باز گفته اند سر آن حضرت به دستور یزید به تمام بلاد و کشورهای اسلامی فرستادند و در کوچه و بازار گردانیدند تا این که به عسقلان رسید و در آن شهر نگاه داشته شد و سال های بعد در جنگ های صلیبی اروپاییان به آن دست یافتند و یکی از وزاری



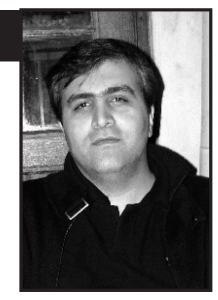
خلفای عباسی مصر آن را به سی هزار دینار از اروپاییان خرید و به قاهره منتقل کرد و در محلی که به آن رأس الحسین می گویند مدفون نمود.
جهانگردی از اهالی هرات در کتاب خود موسوم به الاشارات الی اماکن الزیارات می نویسد در عسقلان سر حضرت امام حسین (ع) مدفون بود و پس از این که این شهر به دست اروپاییان افتاد در سال ۵۴۹ هجری مطابق با ۱۱۵۴ میلادی به قاهره منتقل شد.
ابن بطوطه سیاح مشهور هنگام مسافرت به عسقلان گوید زیارتگاهی معروف در این شهر است که سر حضرت حسین پیش از انتقال به قاهره در آن مدفون بوده است.
ابن جوزی نوشته است که سرحضرت در مسجد رقه نزدیک رود فرات در عراق است. شعرانی در طبقات الاولیاء می نویسد صالح طلایی پسر زریک در صالحیه موفق شد سر امام حسین را به دست آورد و آن را در پارچه ای از حریر سبز پوشانده بر تختی آبنوس نهاد و آن را با مشک و عنبر آمیخته ساخت و سپس در محلی که امروز موسوم به مشهد حسین و نزدیک خان خلیلی واقع است به خاک سپرد.
روایات در این مورد گوناگون است و به طور کلی مدفن سر مبارک را در شش شهر حدس زده اند: مدینه، کربلا، رقه، دمشق، عسقلان و قاهره که در کشورهای عربستان، عراق و شام و مصر واقع اند و همه مردم این شهرها در ایام محرم و روزهای عزا و سوگواری به این زیاتگاه ها می روند و عزاداری می کنند و سرانجام این که جایگاه واقعی و معنوی امام قلب های مردمانی آگاه و عدالت خواه جهان است و به قول حافظ: بعد از وفات تربت ما در زمین مجوی / در سینه های مردم عارف مزار ماست.

منابع : ۱- تاریخ سیستانی ص ۹۹
۲- مرآت الجنان یافعی ۳- خاتون هفت قلعه

بوشهر، بندری تاریخی و استراتژیک (۳)

استراتژی توسعه بندر بوشهر

محمد ابراهیم فروزانی



فرصت ها و نقش های پیشِ رو

اکنون با تحلیل های پیش گفته (در شماره های ۶۴۴ و ۶۴۵ نسیم جنوب) تصوری از ضعف هایی که ناشی از برنامه ها و اقدامات انسانی در تاریخ تحولات در بوشهر است داریم. البته ضعف هایی نیز به صورت اقلیمی و جغرافیایی همچون گرما و رطوبت بالا ، ساختار زمین شناختی و کمبود جمعیت و روند مهاجرپذیری و مهاجرفرستی نیز قابل بررسی است. تهدیدها را نیز می توانیم فهرست کنیم: عدم شکل گیری شبکه حمل و نقلی دریایی و زمینی منطقه جنوب غربی قابل رقابت با رقبای داخلی و خارجی خصوصاً کشورهای توسعه یافته حاشیه جنوبی خلیج فارس ، عدم وجود برنامه ریزی منطقه ای در کشور برای بهره گیری منطقه ای و ملی از فرصت تولید شده ناشی از وجود منابع وسیع انرژی فسیلی برای توسعه شهری و منطقه ای در جهت رقابت با رقبای منطقه خلیج فارس ، کُندی برنامه ریزی برای استفاده کاراً و بهینه از نزدیک به ۶۰۰ کیلومتر سواحلِ در دسترس در حاشیه یکی از مهمترین آبراه های جهان ، قدرت بالای کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس برای جذب سرمایه های خارجی در برنامه ها و پروژه های خود ، وجود شرایط امنیتی ناپایدار در منطقه استراتژیک خلیج فارس خصوصاً با توجه به حضور نیروهای نظامی خارج از منطقه و تعارض منافع کشورهای درون و برون منطقه ، توسعه نیافتگی (خصوصاً صنعتی) مناطق و استان های همجوار بوشهر در پسکرانه این بندرِ مهم کشور و عدم امکان تزریق سرمایه های داخل کشور از این مناطق در روند توسعه استان و بندر بوشهر به ویژه در جهت توسعه زیرساخت ها لازم ترانزیتی و استفاده از فرصت های موجود در بندر بوشهر همچون منطقه ویژه صنعتی – تجاری، گسترش بسیار سریع تأسیسات مرتبط با بهره برداری از منابع نفتی و گازی استان و تعریف کاربری های وسیع مرتبط که باعث ایجاد محدودیت های فضایی دربخش بزرگی از نواحی ساحلی استان در جنوب (و در آینده در شمال) استان گردیده، تراکم و شدت بالای این کاربری ها در منطقه های پارس جنوبی و شمالی ، منابع نفتی آزادگان در شمال استان ، تأسیسات پالایشگاهی ، پتروشیمی ، استخراج و صادرات در جزیره خارگ، ضمن آنکه فرصتی بی نظیر است اما با توجه به عدم وجود برنامه ریزی فضایی مناسب ، هزینه های فرصت بالایی برای توسعه دیگر بخش های اقتصادی حتی صنایع پایین دستی مرتبط با خود بخش نفت و گاز داشته است. محیط زیست منطقه از این جهت مورد تهدیدات جدی قرار گرفته و خسارت های جبران ناپذیری می تواند در صورت عدم وجود ارزیابی های دقیق و علمی محیطی و اقتصادی(Impact assessment) بر ارگانیسم طبیعی و انسانی منطقه وارد آید.
تهدیدات موجود خود فرصت های بی نظیری برای منطقه جنوب غربی کشور و استان بوشهر ایجاد می کند. هرچند به نظر می رسد با توجه به ساختار تمرکزگرای برنامه ریزی و مدیریت در کشور، مدیریت شهری در بسیاری از جهت گیری ها به عنوان نماینده بخش مهمی از شهروندان و ذینفعان محلی قادر به اِعمال نفوذ در روند تصمیم گیری ها نمی باشد اما با درک محتوم بودن نقش هایی که این بندر باید در آینده براساس منافع ملی کشور بر عهده گیرد ، می تواند از هزینه های اجتماعی، زیست محیطی و حتی اقتصادی این مسیر بکاهد. تحولات به شکلی شتاب آلود و انقلابی در حال پیش رفتن است ؛ مدیریتی هوشمند و استراتژیک می تواند از این تحولات بهره ببرد برای در مسیر توسعه پایدار قرار دادن بندر بوشهر، جلوگیری از گسترش فقر و حاشیه نشینی شهری به خصوص در اشکال پیچیده غیررسمی آن در مناطق حریم حفاظتی نیروگاه (که خود این بافت غیر رسمی با توجه به موقعیت اش می تواند یک تهدید امنیت ملی باشد) ، بوجود آوردن امکان نوسازی و بهسازی بافت های فرسوده شهری که نزدیک به ۲۲ درصد از کل اراضی شهری و حدود ۷۰ درصد از اراضی با کاربری مسکونی موجود می باشد، توسعه زیرساخت های اقتصادی شهر به ویژه تأسیسات بندری ، دسترسی به پس کرانه ها برای بندر بوشهر از طریق خطوط ارتباطی ریلی و جاده ای، فعال سازی بخش های صنعتی در منطقه شهری(Urban Region) بوشهر خصوصاً منطقه ویژه اقتصادی بوشهر که می تواند تراز واردات و صادرات در بندر بوشهر به سود بخش صادرات، مثبت کند ومنجر به توسعه بخش های پایه اقتصادی گردد، گسترش امکانات اقامتی در شهر و بخش های مرتبط با صنعت توریسم خصوصاً با توجه به ظرفیت های استان های همجوار و امکانات ترانزیتی بوشهر برای جذب توریست های خارجی که از اهمیت اقتصادی بسیار بیشتری نسبت به مسافرین داخلی برخوردار هستند، فعال سازی مراکز جدید شهری(CBDs) به گونه ای که بتوان بوشهر را از وضعیت تک مرکزی فعلی خارج نمود و مرکز فعلی و تاریخی شهر را با کارکردی مدنی (Civic Center) ، فرهنگی ، هویتی ، تجاری خُرد و تفریحی–توریستی مورد مرمت ، بهسازی و نوسازی قرار داد.
بدون شک اینگونه اقدامات می تواند باعث بالا رفتن رفاه شهری در میان طبقات متوسط شهری گردد و اِمکان بالا آمدن گروههای پایین اقتصادی و اجتماعی را فراهم نماید. اما باید توجه داشته باشیم که روند تحولات می تواند فشار بی امان بیشتری از طریق مهاجرین جدید برای بهره گیری از فرصت ها، بر فضا و زیرساخت های شهری وارد نماید و با توجه به بررسی که بالاتر در مورد ساختار فضایی – کالبدی بوشهر انجام شد ، می دانیم که تنها راه برای آماده کردن شهر و منطقه پیرامونی اش برای برعهده گرفتن نقش های آینده ایجاد تغییرات ساختارشکنانه در ساختار معیوب ، نامتوازن و ناکارآمد فعلی است.

استراتژی های پیشنهادی (نتیجه گیری)

برای بازسازی ساختار فضایی – کالبدی بوشهر در کل شبه جزیره و منطقه شهری پیرامونی که فراتر از شبه جزیره را در برمی گیرد مدیریت مؤثر زمین های شهری و برنامه ریزی دقیق کاربری، درسطح منطقه شهری ضروری است.



این مدیریت و برنامه ریزی خود مشروط است به داشتن درکی درست از سازمان فضایی آینده شهر و منطقه و وجود مشارکت مردم ، دولت ، نهادهای عمومی و گروه های برنامه ریز. بدین جهت فرآیندی که مدیریت شهری در مفهوم عام خود باید طی کند از سویی به شدت سیاسی و راهبردی و از سویی دیگر کاملاً علمی ، به جهتی ملی و حتی دارای سویه های پررنگ جهانی و از جهت دیگر منطقه ای و محلی می باشد. بنابراین دیالکتیک پیچیده ای در میان فرآیندهای تحولات فضایی امروز و آینده این شهر در جریان خواهد بود که ریسک هر اقدامی را به شدت بالا می برد. با چنین درکی از تغییرات تاریخی و جغرافیایی در فضای منطقه شهری بندر بوشهر دو استراتژی ذیل پیشنهاد می گردد که ضرورتاً تا مرحله اجرا می بایست نوعی اجماع نسبی در مورد آنها در میان ذینفعان و ذینفوذان با درک عقلانیت ارتباطی هابرماسی بوجود آید هرچند که در فضای حایلِ حوزه عمومی، همواره باید از نقد استراتژیک برنامه ها نیز استقبال نمود ؛ بدون شک اراده و آگاهی عمومی و یکپارچگی اجتماعی اگر از درون چنین فضای نقدی بیرون آمده باشد می تواند تحولات بزرگ آینده را به نفع جامعه و محیط و دولت ، مدیریت نماید:

• مدیریت خروج پادگان های نظامی از محدوده شهر بوشهر .

همانگونه که پیش از این آمد احداث پادگان های نظامی و تعریف کاربری های گسترده غیر شهری در درون شبه جزیره بوشهر ضربه ای قطعی و فلج کننده بود که به ساختار فضایی – کالبدی این بندر تاریخی در دوران پهلوی دوم وارد آمد. برای باززنده سازی این ساختار نیز چاره ای جز خروج این پادگان ها نیست که با توجه به مصوبه خروج تدریجی پادگان های نظامی از محدوده شهرها توسط شورای عالی معماری و شهرسازی کشور، امری قانونی نیز محسوب می گردد. اما مسئله این است که سطح این اراضی نزدیک به ۴۰ درصد از بهترین زمین های درون محدوده قانونی را شامل می شود، بنابراین تغییرکاربری چنین سطح وسیعی از زمین های شهر بدون شک می تواند تبعات گسترده ای داشته باشد. جابجایی پادگان ها با تأسیسات بزرگ نظامی و حتی شهری مثل فرودگاه کشوری، خود کاری بزرگ، پرهزینه و سنگین است اما اگر برنامه دقیقی برای تغییرات کاربری این زمین ها نداشته باشیم ممکن است امکان بازسازی و احیاء ساختار فضایی – کالبدی شهر(یا استخوانبندی شهر) برای همیشه از دست برود.
خوشبختانه شورای عالی معماری و شهرسازی در مصوبه سال ۸۸ خود برای تصویب طرح تجدید نظر طرح جامع شهر بوشهر ضرورت دو مطالعه کلیدی را برای بندر بوشهر تصویب نموده که هردو از خود طرح اهمیت بیشتری دارند، یکی تهیه طرح راهبردی خروج پادگان ها و بازتاب های آن و دیگری تهیه طرح پدافند غیر عامل شهر با توجه به وجود نیروگاه هسته ای و وضعیت ویژه جغرافیای شبه جزیره بوشهر که باعث تک خروجی بودن آن گردیده است.

• مدیریت زمین در حریم شهر در جهت توسعه اقتصادی بندر بوشهر

بخش عمده ای از زیرساخت های اقتصادی بوشهر برای ادامه حیات و بوجود آمدن امکان توسعه آتی، باید بتوانند از منطقه شهری(Urban Region) بهره ببرند. خوشبختانه اصلاح حریم شهر در تجدید نظر طرح جامع مصوب ۱۳۸۸ به گونه ای بوده که امکان بهره گیری از جزایر شمال شرقی شبه جزیره را برای توسعه آینده شهر به خصوص تأسیسات بندری و کشتیرانی برای پروژه بندر بزرگ بوشهر فراهم می نماید. طرح راهبردی حریم ۵ تا ۱۰ کیلومتری نیروگاه هسته ای نیز برای بهره گیری از زمین های این منطقه در جهت کاربری های بزرگ مقیاس با عملکرد فراشهری از این دست می باشد. این استراتژی دوم خود ضرورتی برای مدیریت استراتژیک در راهبرد نخست می باشد. کنترل برنامه ریزی کاربری های جدید شهری و مدیریت زمین در فضاهای ایجاد شده در نتیجه خروج پادگان ها تنها با وجود امکان مدیریت برنامه ریزی صحیح زمین های منطقه شهری در درون حریم در جهت رشد و توسعه زیرساخت ها اقتصادی ممکن است در غیر اینصورت حجم بزرگ تغییرات کاربری ها در سطح شهر می تواند تنها دامن زننده به بورس بازی زمین ، شتاب دادن به روند فرسودگی بافت های موجود ، فعال نشدن بخش های پایه و اشتغال زای اقتصادی و در نهایت عدم شکل گیری ساختار فضایی – کالبدی پویا برای برعهده گرفتن نقش های کلیدی آینده بندر بوشهر در کشور شود.
در این راستا ضروری است که نهادهای قانونی برنامه ریزی با توجه به اسناد توسعه استان نسبت تهیه طرح تفصیلی کاربری های حریم بوشهر اقدام نمایند و مکانیزم های قانونی کنترل و اجرای آنرا پیش بینی نمایند. این طرح دارای اهمیتی ملی خواهد بود چراکه یکی از دروازه های تاریخی ورودی کشور را که اکنون مرکز تولید انرژی هسته ای و مرکزِ استانی است که یکی از استراتژیک ترین مناطقِ جهان در تولید انرژی فسیلی محسوب می گردد ، دوباره سامان خواهد داد.

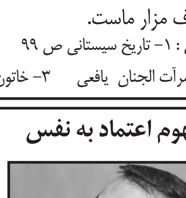
دغدغه

رسالت مطبوعات در بهم پیوستگی فکری برای توسعه منطقه جنوب

علی زارعی

نسیم جنوب بی شک یکی از تاثیر گذارترین هفته نامه های اخباری جنوب کشور بوده و هست... روزی که نسیم جنوب آغاز به کار کرد بوشهر هنوز نتوانسته بود نیروهای نخبه و روشنفکر خود در حوزه های گوناگون اجتماعی سیاسی فرهنگی و ... را سازماندهی کند... آیینه جنوب و نسیم جنوب با نیروی جوانی خود در کنار نیک مردان فعال و روشنفکر استان جریانی از آگاهی و پیگیری مطالبات مردمی را در بوشهر شکل دادند.
امروز که دیگر رسالت خبری نسیم جنوب تمام شده مثل همیشه می بایست با استفاده از نیروهای جوان و پیگیر مطالبات به حق عمومی جامعه استان بخش تحلیلی این هفته نامه را فعال تر از قبل و پربار ادامه داد. شاید هیچ ارگانی در استان نتوانسته است طیفی از نیروهای دارای عقاید و آرای غیر مشابه را صرفا برای اعتلای استان در حوزه های گوناگون در کنار هم جمع آورد . اما نسیم جنوب این توانمندی را دارد و توانسته است جریان جهت دار فکری برای پیگیری مطالبات مردمی را در جنوب ایران راهبری کند. به نظر می رسد در ایامی که همنوع اندیشی دارد جایش را به خود اندیشی می دهد این رسالت بر دوش نسیم جنوب سنگین تر شود تا با استفاده از جریانات جدید دانشگاهی راهی برای برون رفت از انسداد و بن بست موجود در این حوزه بیابد.
منظور من که در این جملات پراکنده نتوانستم به طور کامل و روشن بیانش کنم این است که امروز بیش از هر زمانی ایران و به ویژه مناطق جنوبی آن به یک پیوستگی فکری برای رشد و تعالی و توسعه نیازمندند و در هنگامی که ارگانهای دولتی کمتر به این مهم می پردازند خوب است نسیم جنوب و سایر هفته نامه های جنوبی در استانهای جنوب برای پیوستگی جریانات متفاوت فکری تلاش کنند و با ایجاد همسویی راه را برای توسعه جنوب کشور بگشایند.
امروزه کشورهای عربی حوزه جنوب خلیج فارس – شورای همکاری خلیج فارس- توانسته اند با همین اتحاد ظاهری و گاه عملی همدیگر را برای رسیدن به اقلیمی بهتر کمک کنند. وقتی به شمال خلیج فارس استانهای هرمزگان بوشهر خوزستان و فارس نگاه می کنیم به عینه پتانسیل های بی شمار رشد و توسعه را می توان در این استانها دید و بازشمرد اما وقتی یک جریان همسوی فکری در این استانها برای رشد و توسعه وجود ندارد روزگار فعلی ابتلای آنان می شود. شاید در دراز مدت نسیم جنوب بتواند با ارتباط با جریانهای هم سو در استانهای دیگر جنوب کشور را برای سرنوشتی بهتر کمک کند...

مفهوم اعتماد به نفس



همه ما یک تصویر ذهنی از خود داریم که چه کسی هستیم، ظاهر ما چه شکلی است و در چه کاری مهارت داریم و احیانا ضعف های ما چیست؟ این تصویر با گذشت زمان، که آن هم از دوران کودکی آغاز می شود، شکل می گیرد این خویشتن پنداری و خودشناسی به تصویر ذهنی هر فرد از خود اطلاق می شود. عمده این تصاویر بر اساس ارتباطات مان با دیگر افراد و تجربه های زندگی مان شکل می گیرد. این تصویر ذهنی (خودپنداری) به اعتماد به نفس ما کمک می کند.
اعتماد به نفس به مفهوم این است که ما چه قدر برای خود احساس ارزش می کنیم، چه قدر احساس می کنیم دوست مان دارند؟ چه قدر مورد پذیرش دیگران قرار می گیریم، این که دیگران درباره ما چه فکری می کنند و این که ما چه قدر برای خودمان ارزش قائلیم و خود را دوست داریم و خود را می پذیریم. انسان های با اعتماد به نفس سالم و خوب نسبت به خودشان احساس خوبی دارند، قدر ارزش خود را می دانند و به مهارت ها، توانایی ها و پیشرفت ها ارزش قائلند. افراد با اعتماد به نفس پایین احساس می کنند که انگار هیچ کس آن ها را دوست ندارند یا آن ها را تحویل نمی گیرند(!!!) یا این که آن ها هیچ کار مثبتی را نمی توانند انجام دهند.
همه ما به نحوی در زمان های خاصی در طول زندگی مان با مشکل اعتماد به نفس مواجه هستیم. مخصوصا در دوران نوجوانی که ما تازه خود را می شناسیم و می بینیم که در کجای دنیا قرار داریم. اما نکته جالب این است که چون تصویر ذهنی هر فرد از خود با گذشت زمان تغییر می کند، اعتماد به نفس در طول زندگی ثابت نیست. پس اگر احساس می کنید اعتماد به نفس شما آن چیزی که باید باشد، نیست، می توانید آن را بهبود ببخشید.

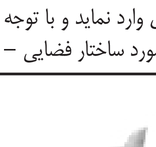
مشکلات اعتماد به نفس

قبل از این که بر مشکلات اعتماد به نفس غلبه کنید و اعتماد به نفس خوبی داشته باشید، نخست این که اگر بدانید چه مسایلی باعث بروز مشکلات اعتماد به نفس می شود، می تواند مثمر ثمر باشد. دو عامل خاص – یکی این که دیگران ما را چگونه می بینند و با ما رفتار می کنند و این که ما خود را چگونه می بینیم، تأثیر عجیبی بر اعتماد به نفس ما دارد.
والدین، معلمان و دیگر افراد دوست داشتنی بر ایده هایی که ما نسبت به خود داریم، تأثیر زیادی می گذرانند. مخصوصا زمانی که ما کودک هستیم. اگر والدین بیش از آن که تشویق کنند، به بچه سرکوفت بزنند، شرایط ارتقاء اعتماد به نفس کودک سخت تر می شود. از آن جایی که نوجوان هنوز در حال شکل دادن ارزش ها، اعتقادات مربوط به خود می باشد، شکل گیری یک تصویر ذهنی مرتبط با آن که والدین، مربی یا دیگران می گویند، آسان است.
طبیعتا تأیید فردی مثل والدین یا معلم مهم است و اگر مکرر شما را رد کنند، بر اعتماد به نفس تأثیر منفی می گذارد، اما انتقاد نیازی است که باید حتما از سوی افراد دیگری باشد. بعضی نوجوانان منتقد درونی نیز دارند، صدایی که در درون به نظر می رسد وقتی کاری را انجام می دهند، عیب آن را گوشزد می کند. این افراد گاهی اوقات وقتی ایده والدین یا شخص دیگری مهم به نظر می رسد، ناخواسته صدای درون خود را دنبال می کنند.
با گذشت زمان، صدای منفی درون می تواند بر اعتماد به نفس شخص تأثیر منفی بگذارد همان طور که سرکوفتی از ناحیه فرد دیگری می تواند موثر باشد. بعضی افراد آن قدر به صدای درون خود گوش می دهند که گاهی اوقات متوجه نمی شوند که خودشان را رد می کنند.
توقعات غیرواقعی هر فرد بر اعتماد به نفس تأثیرگذار است. افراد تصویری از خود در ذهن دارند که چه کاره خواهند شد (یا فکر می کنند چه کاره باید بشوند) تصویر مطلوب و ایده آل هر فرد از خود متفاوت است. به عنوان مثال بعضی افراد مهارت های ورزشی را ستایش می کنند و دیگران توانایی های دانشگاهی را افرادی که می بینند که چنین توانایی هایی را دارند – مثل توانایی های دوست یابی، معمولا اعتماد به نفس بالایی دارند.
افرادی که چنین توانایی هایی را در خود نمی یابند، از اعتماد به نفس پایینی برخوردارند. متأسفانه، افرادی که از اعتماد به نفس پایین برخوردارند، اغلب از معیارهای مثبت بهره مندند. تنها نمی توانند بفهمند که این شاخصه را دارند چون تصویر ذهنی این افراد به این صورت منفی شکل گرفته است.

چرا اعتماد به نفس مهم است؟

این که ما درباره خود چه احساسی داریم بر زندگی ما تأثیرگذار است. افرادی که احساس می کنند دوست داشتنی هستند (به عبارت دیگر اعتماد به نفس خوبی دارند) روابط بهتری دارند.
این گروه تمایل بیشتری دارند که از دوستان و فامیل در هنگام نیاز، کمک بخواهند. افرادی که اعتقاد دارند که خودشان می توانند به اهداف برسند و مشکلات را حل کنند، افرادی هستند که نسبت به دیگران امور مدرسه را بهتر انجام می دهند. اعتماد به نفس خوب داشتن به شما کمک می کند که خودتان را بپذیرید و از زندگی به طور کامل لذت ببرید.

راه هایی برای بهبود اعتماد به نفس





چگونه اعتماد به نفس خود را بهبود ببخشیم؟

برای ایجاد یک اعتماد به نفس مثبت و سالم هیچ گاه دیر نیست

محمود حیدریه heydarieh@yahoo.com
ترجمه اختصاصی نسیم جنوب

اگر قصد دارید که اعتماد به نفس خود را بهبود بخشید، گام های زیر را برای شروع قدرتمندانه انجام دهید.
*از افکار منفی نسبت به خود بپرهیزید
اگر بر صفت های خود تأکید دارید، درباره افکار مثبتی که از آن ها مهم تر هستند، بیاندیشید. هرگاه می خواهید نسبت به خود منتقدانه برخورد کنید با نکته ای مثبت درباره خود با این موضوع مواجه شوید. هر روز، سه مطلب و نکته را درباره خود که شما را خوشحال می کند روی کاغذ بنویسید.
*به انجام و پایان بیاندیشید نه به کمال آن.
بعضی افراد با اندیشیدن به کمال یک کار، معلول می شوند.
به جای این که خودتان را با افکاری از قبیل من تا پولی از دست ندهم نمی توانم متوجه مطلبی شوم و مانع پیشرفت تان شوید، به این بیاندیشید که چه کاری را می توانید انجام دهید و از چه لذت می برید و به دنبال آن باشید.
*اشتباهات را به عنوان فرصتی برای یادگیری قلمداد کنید.
قبول کنید که شما هم اشتباه می کنید همان طور که همه اشتباه می کنند. اشتباه بخشی از یادگیری است. به یاد داشته باشید که استعداد فرد به طور تدریجی رشد می کند و در مواقع مختلف بهتر می شود – این همان چیزی است که انسان ها را جالب می کند.
*به کارهای جدید دست بزنید.
کارهای جدیدی را که متناسب با استعدادهایتان هست، تجربه کنید، سپس به کارهای جدیدی که انجام داده اید احساس غرور و شعف کنید.
این که چه چیزی را می توانید تغییر دهید و چه چیزی را نمی توانید تغییر دهید، بیابید.
اگر فکر می کنید که نسبت به چیزی ناراحت هستید که می توانید آن را تغییر دهید، همین امروز شروع کنید. اگر چیزی است که نمی توانید تغییر دهید مثل قد، آن طور که هست، آن را بپذیرید و خود را دوست داشته باشید.
*برای خود اهدافی را معین کنید.
بیاندیشید که چه چیزی را دوست دارید بدست آورید، سپس برنامه ای برای رسیدن به آن آماده کنید. به اهداف خود پایبند باشید و پیشرفت خود را ردیابی کنید.
*به ایده ها و اعتقادات خود اعتقاد داشته باشید و از بیان آن ها نترسید.
*کمک کنید.
به هم کلاسی خود که مشکل دارد، کمک کنید، در نظافت محله بکوشید، در امور داوطلبانه شرکت کنید.
احساس این که شما می توانید یک تفاوت را بوجود آورید و این که کمک شما با ارزش است، به طرز شگفت انگیزی به اعتماد به نفس شما، کمک می کند.
*ورزش کنید
با این کار شما استرس خود را کاهش می دهید و سالم تر و شادتر خواهید بود.
*شادتر باشید.
آیا تا به حال با خود اندیشیده اید که «اگر من لاغرتر بودم دوستان بیشتری داشتم؟» به جای این افکار با افرادی که دوست شان دارید، اوقات را با خوشی بگذرانید و کارهایی را که دوست دارید، انجام دهید. استراحت کنید و اوقات خوشی را داشته باشید. زندگی را در حالت انتظار نگذارید.
برای ایجاد یک اعتماد به نفس مثبت و سالم هیچ گاه دیر نیست. در بعضی موارد که ناراحتی عمیق و طولانی مدتی وجود دارد، از یک متخصص روانپزشک کمک بگیرید. این افراد می توانند به عنوان راهنما، عمل کنند.
اعتماد به نفس تقریبا درهر کاری که شما انجام می دهید یک نقشی را ایفا می کند. افراد با اعتماد به نفس بالا در کارهای مدرسه بهتر عمل می کنند و دوست یابی برای آن ها آسان تر است. این گروه افراد، ارتباطات بهتری با هم سن و سالان خود و بزرگسالان دارند، احساس شادی بیشتری می کنند و مواجه شدن با اشتباهات و ناامیدی ها و شکست ها برای این گروه آسان تر است و تا زمان موفقیت کامل به هدف خود پایبند هستند، اعتماد به نفس کار و زمان می برد اما هرگاه موفق شوید، این مهارت را برای تمام زندگی تان در اختیار دارید.

منبع: www.kidshealth.org

نسیم جنوب ۴
ادب و هنر
شماره ۶۴۵ - یک شنبه ۲۰ آذر ماه ۱۳۹۰
NASIM JANOUB

کار شاعر در گفت و گو با علی باباچاهی

از سفید ماندن هراسی ندارم

زینب کاظم‌خواه: علی باباچاهی سال‌هاست شاعری می‌کند، او حالا هفتاد ساله شده است، در تمام این سال‌ها راه خودش را رفته، می‌داند جاهایی کم‌کاری کرده است اما ابایی ندارد بگوید که بعضی از شعرهایش را دوست ندارد، شعرهایی که در سال‌های جوانی گفته و به نظرش حالا آن‌ها مصنوع می‌نماید.
او از سفید ماندن کاغذ نهراسیده است، کلمات برایش می‌آیند و واژه‌ها شعر می‌شوند، هنوز که هنوز است حرف برای گفتن دارد و برای جبران سال‌هایی که کم‌کاری کرده جنون‌آمیز می‌نویسد، می‌نویسد چون اگر این کار را نکند انگار که توازن روحی ندارد، می‌نویسد چرا که اگر ننویسد مریض می‌شود، شاعری که می‌گوید از نوشتن هراسی ندارد برای این‌که دروغی در کارش نیست.



– شما سال‌هاست که شاعری می‌کنید این سرایش شعر و لحظه خلق شعر الهام است یا تمرین؟
– فکر می‌کنم این حالتی که شما اشاره می‌کنید– الهام یا لحظه خلق– اگر خیلی خودمانی بخواهیم بگویم در دوره‌های مختلف شعری یا به عبارتی در مقاطع مختلف زندگیم فرق داشته است؛ مثلا در سی سالگی یا پنجاه سالگی و الان که به دهه هفتادم رسیده‌ام، باهم فرق داشته‌اند؛ مثلا وقتی سرباز بودم؛ سر پست نگهبانی که شب بود، من نگهبان اسلحه خانه بودم همان‌جا ایستاده و مسلح قدم می‌زدم شعر می‌گفتم؛ نه کاغذی داشتم نه چیزی. با حافظه قوی که داشتم – و الان اصلا ندارم – یک شعر سی و پنج خطی می‌گفتم و بعد می‌نوشتم، به این‌که خوب بود یا بد کاری ندارم. فکر می‌کنم آن لحظه حسی‌تر سراغ شعر می‌رفتم و بعدا می‌رفتم می‌نوشتم، شاید مشهورترین شعرهایی که در این وضعیت سرایشی نوشتم شعر «خورشیدها و خارها» و «چه باید کرد» بود. امروز که نگاه می‌کنم می‌بینم اگر آن‌روزها شور باعث نوشتن می‌شد، در حال حاضر این تخیل است که باعث شعر نوشتن می‌شود؛ تخیلی که باید با نوعی تفکر آمیخته باشد و جالب این که در این سال‌ها سرعت نوشتن‌ام بسیار سریع‌تر از سال‌های جوانی‌ام شده است، پختگی‌اش به منتقدان ربط دارد. الان حس می‌کنم موقعی که می‌خواهم بنویسم نوعی اعتیاد به نوشتن دارم، اگر ننویسم توازن روحی ندارم؛ ولی به این معنا نیست در لحظه‌ای که می‌خواهم بنویسم هاله‌ای از اندوه و شعف مرا فرا گرفته باشد، حداقل من این طور نیستم.

– وقت شعر نوشتن چه حسی دارید، این طور نیستید که شعری را بنویسید احساس کنید باری از روی دوش شما برداشته شده است؟
– یک درک سنتی از نوشتن وجود دارد – البته من به معنای منفی آن‌را به کار نمی‌برم– که باید یک عرق‌ریزان روحی یا یک ضربه روحی در کار باشد یا شعفی در تو باشد، من حداقل این سال‌ها این طور نیستم؛ ولی اگر ننویسم مریض می‌شوم. وقتی سطر اول را نوشتم دیگر از کاغذ نمی‌ترسم، از سفید ماندن هراسی ندارم، برای این‌که دروغی در کارم نیست؛ من با این سطر راه می‌افتم انگار این سطر دست مرا می‌گیرد، می‌رود اطراف و اکناف ذهنم را دور می‌زند و بعد می‌بینم که شعری نوشته‌ام.

– این از کجا شروع می‌شود از تصویر، خیال یا کلمه؟ ممکن است متفاوت باشد و هر بار از جایی شروع شود؟
– دقیقا برایم همین طور است. چه بسا من رمانی می‌خوانم از وسط‌های رمان ذهنم به ناگهان به جای دیگری می‌رود و زمینه خواندن مرا جایی پرتاپ می‌کند که ربطی به رمان ندارد. یا اصلا در زندگی معمول کسی حرفی به تو می‌زند، زخم زبانی می‌زند که تو خوشت نیامده است، نصف شب بیدار می‌شوی و عذاب می‌کشی و فردایش ممکن است چیزی بنویسی البته ممکن است کلا به آن شعر ارتباطی نداشته باشد. ما نباید از روی ذهنیت‌مان دیکته کنیم؛ بلکه ذهنیت‌مان باید راه را به ما نشان دهد. من جمله‌ای دارم که این اواخر تکرار می‌کنم، «گویی من کاشف اشکال شعری تعبیه شده در درون خودم هستم» یعنی شکل‌های شعری در بیرون وجود ندارد، این شکل‌ها در درون من هستند، من فقط آن‌ها را کشف می‌کنم و جالب این است که خیلی بی دروغ هستند، به این معنا که بی‌پیرایش است مثلا اگر جبروت کلمه خود را نشان دهد به معنای تفاخر به آرایه‌های ادبی نیست، بلکه شرایط شعری ایجاب می‌کرده که کلمه خود را به مرتبه‌ای از موسیقی ارتقا دهد.

– آن‌قدر شعر گفته‌اید که احساس می‌کنید کلمات الان در چنگ شماست؟
– بله کلمات در چنگ من است، همان‌طور که خشت و مصالح دست معمار است. ولی عجیب است وقتی به کتاب «از نسل آفتاب» نگاه می‌کنم، به نظرم مصنوع می‌آید، انگار حرفی برای گفتن نداشتم ولی برای این‌که عقب نمانم شعرها را نوشته‌ام، به همین دلیل جز یک شعر از آن کتاب – به لحاظ شخصی می‌گویم با بقیه کارهایم برقرار نمی‌کنم. الان آن سرآسیمگی در من نیست، خیلی راحت‌تر و با اعتماد به نفس بیشتری شعر می‌گویم، برای این که احساس می‌کنم حرف برای گفتن دارم؛ زیرا مدام مطالعه می‌کنم. البته چیزی را باید بگویم، شعرایی هستند که در طول حیات شاعری‌شان فقط یک نکته را می‌گویند، اما یک شاعر موفق یک نکته نامکرر می‌گوید. شاعر غیرحرفه‌ای یک نکته را مکرر می‌کند، برای همین وقتی می‌گویند هر کس خمیر مایه‌ای دارد درست است. بعضی‌ها پزشک هستند اما پزشکان موفقی نیستند، در مورد شعر هم همین طور است. هر شاعری خمیره‌ای دارد که در طول سالیان آن را ورز می‌دهد، حالا بعضی‌ها انگشت‌هایشان را برای ورز دادن آن خمیر خوب نگه می‌دارند، یکی ممکن است در هفتاد سالگی هم خوب ورز دهد یکی ممکن است در صد سالگی هم خوب ورز دهد، مثلا انگشتان اخوان در اواخر عمرش کند می‌شود، یا حتا شاملو در «مدایح بی صله» حرف‌هایش مکرر است، به همین دلیل هیچ چیز بدتر از شاعر پیر نیست. شاعر پیر به شاعری گفته می‌شود که می‌تواند سی ساله هم باشد ولی پیر باشد. می‌توانم فهرستی از شاعرانی که دچار جوانمرگی ادبی شده‌اند نام ببرم. اما منوچهر آتشی غیر از این بود، او در سطح خودش تا آخرین لحظه انگشت‌هایش کار می‌کرد، اگر صورتش را نشان نمی‌دادی و فقط انگشت‌هایش رانشان می‌دادی انگار جوان بود.

– می‌گویید که همچنان حرف برای گفتن دارید، در این سال‌ها اتفاق افتاده مجموعه‌ای را منتشر کرده باشید و بعد از انتشار پشیمان شده باشید؟
– این موضوع بیشتر درباره شعرهای جوانی‌ام صدق می‌کند. من الان که نگاه می‌کنم می‌بینم که چطور این همه در گذشته وقت تلف کرده‌ام. این اواخر که کلیات نیما را می‌خواندم می‌دیدم که نیما هم خیلی وقت تلف کرده است. این کلیات که حجم عظیمی دارد خیلی از رباعی‌ها و قصیده‌هایش را می‌شود دور ریخت، اگر خود نیما بر چاپ این کتاب نظارت داشت حتما خیلی از آن‌ها را دور می‌ریخت. او وقت زیادی روی رباعی‌ها، قصیده‌ها و منظومه‌هایی که در این کتاب دارد تلف نمی‌کرد، می‌توانست خلاقیت بیشتری نشان دهد، آن وقت بیشتر می‌شد به او گفت نیما. اگر در کارنامه شعری‌ام «از نسل آفتاب» یا پاره‌ای از شعرهای «آوای دریا مردان» نبود دریغ نمی‌خوردم. به این دلیل که ما خود رو بودیم، در جنوب کسی نبود که جوامع شعر تشکیل دهد. بنابراین احتمال دارد ضربه‌هایی از آن‌جا خورده باشم. این که حالا تلاش می‌کنم انگار جبران روانی است، درباره من می‌نویسند «شاعر پر کار» یا «کسی که جنون نوشتن دارد»، این قضیه روانی است که می‌خواهم جبران آن سال‌هایی که کمتر زندگی کرده‌ام پر کنم، اما بعد از انقلاب از چاپ هیچ‌کدام از کتاب‌هایم ناراضی نبوده‌ام.

– آیا کل شعر در ذهن‌تان شکل می‌گیرد و یا کلمه می‌آید و ساخته می‌شود؟
– هیچ تصوری از تشکل ساختاری شعر در ذهن ندارم، به ویژه آن‌که در تعارض با ساختار تعریف شده از شعر معاصر هستم؛ – یعنی تعریفی که نیما از ساختمان شعر داد و اگر نمی‌داد شعر ما به این جا نمی‌رسید– من مدعی این مساله هستم که شکل تنها یک تعریف ندارد. شکلی که لزوما یک مرکزیت داشته باشد، شکلی که روایت یک قصه را تسلسل بخشد، شاید شکل‌های جدیدتری را ارایه دهیم. مثلا صحبت‌های آندره برتون در خصوص شعر را می‌خواندم، نظرش این بود که اگر در شعر با یک رویداد تاریخی هم روبرو باشیم، که فی‌المثل لرزه و پس لرزه‌ای را با خود همراه داشته باشد و تکانه‌هایی در درون حاکمیت‌ها به وجود آورد؛ این به این معنا نیست که شعر از مسیری که دارد، منحرف شود یعنی شعر معنای خاصی دارد و اگر گرفتار ابلاغ پیام‌ها و گرفتار رابطه‌های رسانه‌ای در شعر شویم شعر از مسیر خود منحرف شده است. او بر این مساله تاکید دارد که در شعر باید همیشه شعریت رعایت شود و می‌گوید باید از امیدها و تشویش‌هایی حرف بزند یا تبعیت کند که در حوزه شعر می‌گنجد. اما چیزی که در این‌جا قابل درنگ است این است که مثلا وقتی ما می‌خواهیم از امید، ترس و شعف و تشویش حرف بزنیم، وقتی نیروهای ناتو می‌روند لیبی را می‌کوبند آیا امید و تشویش در آن لحظه همان‌گونه است که در لحظه‌ای که موفق می‌شوند؟ یا همان‌طور است که در فرداهای انقلاب است؟ یا به گونه‌های دیگر مطرح می‌شود؟ معمولا این‌طور است که مرعوب دیدگاه‌های غربی هستیم. ولی به این معنی نیست که این‌ها آیه‌های منزل باشند، در لحظات مختلف این حس‌ها فرق می‌کند.

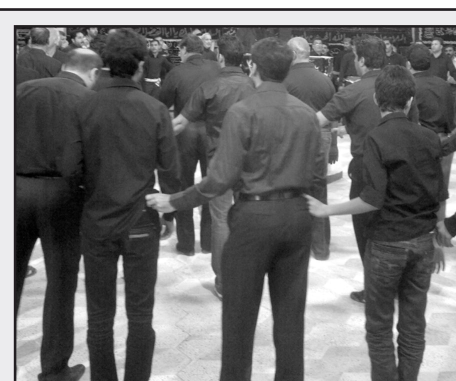
– واقعیت در کار شما به عنوان یک شاعر چه جایگاهی دارد؟
– واقعیت قابل تفسیر است. مقصود از واقعیت آیا محیط پیرامون است؟ پدیده‌ها قابل تفکیک نیستند و ما امر واقعی و غیر واقعی نداریم. امر واقعی با امر غیر واقعی غیر قابل تفکیک نیستند، یکی از شاگردانم می‌گفت که من در عالم خیال عشق می‌ورزم، معنی‌اش این است که خیال با واقعیت خیلی دور از هم هستند. اگر واقعیتی نباشد تخیلی نیست، اگر بیرون از فرد هم مصادیق عینی وجود نداشته باشد که بگویند ما عینیت هستیم ذهنیتی وجود ندارد، پس عینیت و ذهنیت در ارتباط با هم قابل ارزیابی هستند. اگر نظر آندره برتون شاعر معتبر سورئالیست قابل درنگ باشد، انگار مسایل مهمی که در جامعه رخ می‌دهد در امر شعر مدخلیت ندارد. این طور به نظر می‌رسد که آن‌چه در جامعه هست، امر واقعی و شعر امر غیر واقعی است. به نظرم امر واقعی از نظر من این نیست که کپی‌برداری کنیم از رویدادهایی که همین لحظه دور و بر تو می‌چرخد. کار هنر این است که واقعیت‌های عینی را تحریف می‌کند و از آن‌ها یک واقعیتی به نام واقعیت هنری می‌سازد که از واقعیت عینی تغذیه کرده است، اما خودش واقعیتی است در کنار واقعیت‌های دیگر.

– در شعرهای شما با بحث فرا واقعیتی که از جهان واقعی سرچشمه گرفته زیاد مواجه می‌شویم، تخیل شاعرانه یکی از عناصر شعر شما بوده است، هنوز به تخیل بسیار پایبند هستید و هیچ‌وقت نبوده در شعرهای شما فرا واقعیت‌ها و معنا گریزی نباشد، پس برای تخیل در کار شاعرانه جایگاه خاصی قائل هستید؟
– حرفی که من می‌زنم اصلا تازگی ندارد، اگر از کارهای شعرای درجه یک مثل سعدی و حافظ تخیل را حذف کنیم چیزی نمی‌ماند ولی زین میان «تخیل» بدنام افتاده است تا می‌گویند تخیل، فکر می‌کنند طرف مالیخولیایی شده است، غافل از این که اگر تخیل لایتناهی را در می‌نوردد با تفکر همراه است، اگر تخیل نباشد علم هم پیشرفت نمی‌کند، این حرف من نیست از رودکی به این طرف شاعرانی موفق بوده اند که تخیل ورزی کرده‌اند.
منبع:خبر آنلاین

نوحه‌خوانی سنتی بوشهر در مسیر بیراهه؟!

علی ماهینی

حدود یک دهه پیش، استاد ایرج صغیری مقاله‌ای با عنوان «نوحه‌خوانی سنتی بوشهر را به بیراهه نبرید» در نشریه‌ی «نسیم جنوب» نگاشت که بحث‌های بسیاری در پی داشت. به دنبال درج این مقاله‌ی هشدارآمیز و سپس اعتراض برخی از نوحه‌خوانان بوشهر، جلسه‌ای در محل دفتر «نسیم جنوب» ترتیب داده شد و با حضور استاد و نوحه‌خوانان، تبادل نظر صورت گرفت که البته به عقیده‌ی نگارنده، جمع مداحان و نوحه‌خوانان از عهده‌ی قانع کردن استاد صغیری و نیز افکار عمومی برنیامدند.
حالا پس از گذشت سال‌ها از نگاشته شدن مقاله‌ی مذکور و برگزاری آن جلسه، به نظر می‌رسد نگرانی‌های دلسوزانه‌ی استاد صغیری بی‌مورد نبوده و هشدار و تأکید دگرباره بر بیراهه رفتن عزاداری سنتی بوشهر اجتناب‌ناپذیرمی‌نماید.
کاستی های مراسم عزاداری سنتی بوشهر نسبت به گذشته، واضح و مشهود است. از اُفت پویایی و گرمای سینه‌زنی و پژواک صدای برخورد دست‌ها و سینه‌ها به دلایل مختلف از جمله جبر پوشش و ناهمگونی بُرهای سینه‌زنی... که بگذریم،



اشعار جدیداً سروده شده برای نوحه، کیفیت صدای نوحه‌خوانان و آهنگسازی نوحه‌ها و... هر کدام در جای خود راه نزول را پیموده‌اند. این‌چنین است که روز به روز از روح اصالت و رنگ و بوی نوستالژیک عزاداری سنتی بوشهر کاسته می‌شود.
اگر صدای آسمانی مرحوم جهانبخش کردی‌زاده را معیار صدای ناب و تمام‌عیار یک نوحه‌خوان بوشهری قرار دهیم، کار به مقایسه نمی‌رسد، چرا که فاصله‌ی قدرت و زیبایی صدای این هنرمند را با صدای نوحه‌خوانان امروزی فراتر از این حرف‌هاست. البته ظهور نوحه‌خوانان جوان و آینده‌داری همچون ایمان میرشکاری مایه‌ی امیدواری‌ست.
آهنگسازی تکراری و غیر خلاقانه‌ی برخی از نوحه‌ها بر دل و در ذهن نمی‌نشیند و نشانی از اعجاز آهنگسازی‌های ماندگار گذشته ندارد و شوری آن‌چنان که باید ایجاد نمی‌کند.
اشعار نوحه اینک بیشتر به حالت مدحی سروده می‌شوند و تأثیر سروده‌های پیشین را که به صورت روایی، کربلا و لحظه‌های حماسه و خون و ماتم را در ذهن مخاطب و سینه‌زن به تصویر می‌کشید، ندارند.
واقعاً موجب حیرت و تأسف است که یکی از معروف‌ترین و مطرح‌ترین نوحه‌خوانان بوشهری، بدون توجه به لزوم حفظ تولیدی بودن و متفاوت نگه داشتن این فرهنگ اصیل و غنی، از شعر و آهنگ نزار قطری با ترجیع‌بند «انا مظلوم حسین، انا محروم حسین» که بارها و بارها از تلویزیون پخش شده در مراسم سینه‌زنی استفاده کند که وِرد زبان هر مداحی در کشور شده است و این‌چنین از ارج و اعتبار عزاداری بوشهر بکاهد. آیا واقعاً کار عزاداری اصیل، شاخص و متمایز بوشهری به این‌جا کشیده شده که به جای تأثیرگذاری بر سایر مراسم عزاداری در کشور، به راحتی تأثیر بپذیرد، آن هم با نوحه؟!
بسنده کردن به همان نوحه‌های زیبا و نوستالژیک گذشته، که هیچ‌گاه تکراری نمی‌شوند، بسی معقول‌تر و شایسته‌تر از استفاده از چنین نوحه‌هایی‌ست که هیچ قرابتی با عزاداری سنتی بوشهر ندارد.
نکته‌ی قابل ذکر دیگر این‌که طی چند سال اخیر سی‌دی‌های بسیاری از نوحه‌خوانان مختلف، به صورت تلفیق نوحه‌های بوشهری و موسیقی وارد بازار شده‌اند که البته کاری نوآورانه و در خور بوده و مورد توجه مردم قرار گرفته است، اما به یاد داشته باشیم که مبادا این آثار با تکثیر روزافزون، اصل را به حاشیه ببرند.
به هر روی لزوم تشکیل و برگزاری جلسات هم‌اندیشی در راستای بازنگری در مورد عزاداری سنتی بوشهر با حضور اساتید ادب و فرهنگ بوشهر، با محوریت و موضوعیت بازگشت به ریشه‌ها و بازآمدن آن به راه صحیح بی‌تردید لازم و در بالندگی و پویایی این سنّت یگانه مؤثر افتد.

محسن شریفیان پژوهشگر موسیقی:

عزاداری مذهبی شیعیان به قدمت حضور دیلمیان در بوشهر برمی گردد

سرپرست گروه موسیقی لیان و پژوهشگر موسیقی در همایش سوگواری عاشورایی اقوام ایرانی به بررسی موسیقی سوگواری در بوشهر پرداخت و با اشاره به این‌که موسیقی سوگواری بخش اعظم موسیقی دراین منطقه را به جهت تنوع و کثرت ملودی دربرمی‌گیرد، گفت: با توجه به این که این گونه از موسیقی با آیین‌های شیعی و باورهای مذهبی مردم پیوند خورده، کمتر دستخوش دگرگونی قرار گرفته و تا به امروز به شکل و شیوه آغازین خود باقی مانده است.
محسن شریفیان، نویسنده کتاب «اهل ماتم» به سابقه موسیقی سوگواری در بوشهر اشاره کرد و گفت: قدر مسلم موسیقی سوگواری در بوشهر از سابقه‌ای کهن سخن می‌راند اما سوگواری فعلی و موسیقی ویژه آن در استان بوشهر که اغلب در کنار آیین‌های مذهب تشیع تداوم یافته و تا به امروز باقی مانده، به روزگار آل بویه برمی‌گردد؛ چرا که استان بوشهر در آن زمان یکی از مراکز مهم حکومت دیلمیان بشمار می‌رفته و می‌توان گفت شروع عزاداری مذهبی شیعیان در این منطقه‌ی کهن سال به قدمت حضور دیلمیان در بوشهر یعنی حدود هزار سال پیش برمی‌گردد. سینه‌زنی و نوحه‌خوانی به عنوان پرمخاطب‌ترین و شاخص‌ترین مراسم سوگواری در بوشهر قلمداد می‌شود که در نقاط دیگر سرزمین ما چون خوزستان و هرمزگان نیز رواج پیدا کرده است؛ برای نمونه، یکی از معروف‌ترین ملودی‌های عزاداری در خوزستان که پس از آزاد سازی خرمشهربا مطلع «مَمّد (محمّد) نبودی ببینی» خوانده و با اقبال مردم ایران روبه‌رو شد، چیزی جز یک نوحهٔ قدیمی در بندر بوشهر با مطلع «لیلا به گفتا ای شِه، لب تشنه کامان ...» نبود. نوحه‌ای که پیش از این توسط زنده یاد جهانبخش کردی زاده اجرا و با پخش در فیلم مستند «اربعین»، ساختهٔ ناصر تقوایی(۱۳۵۴)جاودانه شد.
محسن شریفیان معتقد است: موسیقی سوگواری در بوشهر از نظر بافت ملودیک بسیار متفاوت است و مردم منطقه به شدت به این آیین‌ها وابسته هستند.
این هنرمند و پژوهشگر موسیقی نواحی به خبرنگار بخش موسیقی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، توضیح داد: یکی از مراسم‌های ویژه‌ای که ماه محرم در بوشهر اجرا می‌شود مراسم «صبحدم» است. او با ارایه جزییات این مراسم، بیان کرد: در «صبحدم» عزاداران شب عاشورا را تا صبح بیدار می‌مانند و با خواندن نوحه‌ای ویژه از آفتاب می‌خواهند که طلوع نکند. آنها در این مراسم این گونه می‌خوانند: «ای صبحدم یک دم ندم،/ یک امشبی بحر حسین/ تا کشته نگردد در سرزمین کربلا» پس از خواندن این مطلع عزاداران زن و مرد می‌چرخند و مراسم سینه‌زنی متفاوتی را اجرا می‌کنند.
شریفیان معتقد است: در بوشهر به خاطر بافت دراماتیک و اجرای تعزیه‌ها مردم منطقه به شدت به این آیین‌ها وابسته‌اند.



گاهی عزاداری‌هایی را از تلویزیون پخش می‌کنند که برای آیین‌های عزاداری مناطق، خطر است

او با اظهار تاسف از عدم پرداخت درست به این آیین‌ها توضیح داد: امروز رسانه‌ها در جهت دادن به سلیقه‌ی مردم بی‌تاثیر نبوده‌اند و گاهی عزاداری‌هایی را از تلویزیون پخش می‌کنند که به نوعی برای آیین‌های عزاداری مناطق خطر است.
شریفیان در پایان سخنانش گفت:مردم شهرها با چنین تبلیغات وسیعی در رسانه‌ها روبه رو شدند و از آن تاثیر گرفته‌اند، اما بعضی مناطق که گاهی امکانات رسانه‌ای کمتری دارند، خیلی از این آیین‌ها تاثیر نمی‌گیرند.

چند شعر از سعید مهیمنی

۱)
چه دل فریب است
کهکشانی و دلچسب
وقتی حروف نامم
در دهان تو
از لبان تو
می تراود.

جهان
شکل لبان تو می گیرد
و من
زاده می شوم آن گاه...

۲)
از کدام سرزمینی
که باران
آرزویت نیست

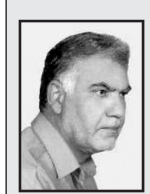
من نمی را
شکوفا می شوم.

۳)
ماه شکلِ خود را
در نگاهِ تو می بیند
هنگامی که من
با نامِ تو
مرگ را می گریزم

۴)
وسوسه ی اشتیاقی بود
که سالیانِ بی تو
زمین را پاشنه در کردم
بی آن که یک دم
پاسخی در انتظارم باشد

اکنون
تبر مهتاب
گور را می رماند
وقتی پرتوش
قلبم را می تپد.

چشم تو....



سید محمد رضا هاشمی زاده

روز و شب می گردد این دل بر مدار چشم تو
دل دونیم می کند نصف النهار چشم تو
درکسوف متن تـاریخ نـگاهت خوانده ام
نقشه ی جغرافیای روزگار چشم تو
چرخ گردون ست عمری رمـزسـر گردانی اش
حـاصل سرگشتگی در گیر و دار چشم تو
می شود پی برد از عمق نگاه روشنت
نقـش می بندند دریا ها کنار چشم تو
جـذبه ای دارد که بی شک لابلای ابرها
می کِشد حتی خدا هم، انتظار چشم تو

اخبار هنری

نمره منفی صدا و سیمای بوشهر

وحید پورجماد: در تاسوعا و عاشورا شاهد پخش مستقیم مراسم عزاداری شهرهای مختلف کشور از شبکه های استانی و شبکه های اصلی کشور بودیم اما خبری از پخش زنده عزاداری سنتی بوشهر که یکی از زیباترین عزاداریهای ایران هست نه از شبکه استانی نه از شبکه های کشوری نبود و این یک نمره منفی است به صداو سیمای مرکز بوشهر.

انتخاب اعضای انجمن هنرهای نمایشی بوشهر

در نشست شورای راهبردی تئاتر استان بوشهر، پنج هنرمند تئاتر به عنوان اعضای شورای انجمن هنرهای نمایشی استان بوشهر انتخاب شدند.
خداکرم یزدان‌پناه معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر در این نشست گفت: هنرمند نقش بسزایی در هدایت و الگوسازی جامعه دارد، هنر ودیعه‌ای است از طرف خدا به شما هنرمندان که به واسطه آن باید در مسیر توسعه و پیشرفت جامعه اقدام کنید.
در این جلسه حسن مختارزاده مشاور مدیرکل ارشاد اسلامی استان بوشهر در حوزه تئاتر با اشاره به اهمیت شورای راهبردی تئاتر در استان گفت: نقش اصلی این شورا نظارت دقیق و جامع بر فعالیت انجمن است و تلاش دارد در آسیب‌شناسی و کاهش مشکلات این حوزه گام بردارد.
در بخش پایانی این نشست انتخابات جدید انجمن هنرهای نمایشی استان با حضور ۱۰ کاندیدا برگزار و پنج نفر این به عنوان اعضای جدید انتخاب شدند.
محمد مظفری، علی قربانی، ابراهیم شاکری، جواد صداقت و خانم سلطانی‌نیا به عنوان اعضای شورای انجمن هنرهای نمایشی استان بوشهر انتخاب شدند. /منبع:فارس

نشست مشترک شاعران بوشهر و دشتی

نشست مشترک شاعران بوشهر و دشتی در فرهنگسرای شهید شهریاری خورموج برگزار شد. به گزارش روابط عمومی اداره فرهنگ وارشاد اسلامی دشتی، در این نشست که جمعی از پیشکسوتان و جوانان حضور داشتند در ابتدا حمید زارعی مسئول انجمن ادبی فایز دشتی با خوش آمد گویی به حاضران اظهارداشت: نشست های ادبی ما چهارشنبه های هر هفته برگزار می شود و همواره یکی از برنامه های ما تبادل ادبی با شهرستانهای دیگر است.
در ادامه علیرضا عمرانی از شاعران و منتقدین مطرح استان پیرامون شعر دفاع مقدس به ایراد سخن پرداخت و گفت: دفاع مقدس به عنوان یک پدیده عمومی و اتفاق اجتماعی نگاه همه شاعران و هنرمندان مردمی را به سمت و سوی خودکشاند. ادبیات مقاومت در طول هشت سال دفاع مقدس ذهنیت غالب هنرمندان متعهد را دگرگون ساخت و در این راه شکلی عینی به رفتارهای ذهنی و زبانی شاعران بخشید.
در ادامه شاعران به شعر خوانی پرداختند و سپس بر آرامگاه شاعر محلی سرا و منظومه سترگ کلاخا حاج علی مرادی حضور یافتند.

برگزاری شعر عاشورایی در دلوار

مراسم شعر عاشورایی توسط اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی تنگستان با همکاری کانون فرهنگی هنری صاحب الزمان روستای بنجو در مجتمع فرهنگی هنری دلوار برگزار شد. در ابتدای این مراسم عبدالرضا جمشیدی رئیس این اداره ضمن عرض تسلیت فرا رسیدن تاسوعا و عاشورایی حسینی و فلسفه قیام امام حسین را درس بزرگی برای امت اسلام توصیف نمود در ادامه سه قطعه شعر توسط خانم ها سلیمی ، خدری و ابراهیمی قرائت شد و در ادامه پس از پخش دکلمه خوانی، با مداحی سلیمی مداح اهل بیت هیات سینه زنی و زنجیر زنی کانون فرهنگی هنری صاحب الزمان عزاداری پرداختند. در پایان برنامه با اهدای لوح تقدیر و هدایای نقدی از شاعران و مداحان مراسم تجلیل به عمل آمد.

هنرمند حوزه هنری بوشهر در جشنواره بین المللی داستان چراغ مطالعه

زهره زنگنه یوسف آبادی نویسنده جوان و با آتیه حوزه هنری بوشهر توانست با اثر "من از آسمان افتاده ام" به جشنواره بین المللی داستان چراغ مطالعه راه یابد. داستان "من از آسمان افتاده ام" نوشته زهره زنگنه یوسف آبادی موفق به حضور در مرحله نهایی جشنواره بین المللی داستان چراغ مطالعه (این روشنایی نزدیک) شد. آثار راه یافته به مرحله ی نهایی از بین ۵۱۳ داستان ،از ۵ کشور داوری و انتخاب شده اند. اختتامیه این جشنواره در دی ماه سالجاری با معرفی برگزیدگان برگزار می گردد.

عکاسان حوزه هنری بوشهر در کوه نمک

واحد عکس حوزه هنری بوشهر جهت ثبت آثار باستانی استان بوشهر اردویی با حضور عکاسان کارگاه حوزه با موضوع طبیعت در کوه نمک شهرستان خورموج (کاکی) در تاریخ ۱۰ آذرماه برگزار نمود.در این اردوی یک روزه هنرمندانی همچون اکبر اسکروالا– ایرج حسین پور– اسماعیل جاشویی– محسن کیانپور– هادی خوشابی– حسن ترازوس– حسن برجاس– رضا ماهینی– رضا ریشهری نژاد– مهدی بنی تمیم – حسین حیدرپور– محمد جواد موسوی– سید احسان حمیدی– حسینی– علی پورمراد حقیقی– موسی احمدی زاده– هانیه محسنی زاده– فاطمه زالی – زهرا حاجب– سهیلا هونجانی –آریادخت جهانبخشان– زینب فتحی– مهدیه عجی– یاسمن محمدی– ساره شادکام– مهتاب ابراهیم زاده– مهنوش زارع– مریم شیخ سفا– آثاری را خلق نمودند.

خلبوس

نوشته‌ای از: قلم به دست بی‌زور

سنگینیِ بارِ آمار بر مردم بیکار...!

همشهری اقتصادی نوشت: "به گفته قائم مقام مرکز آمار ایران نرخ بیکاری در دولت نهم به دستور معاون اوّل رئیس‌جمهور دستکاری شد!" البته من مطمئنم که این کارها از دولت بعید و بی‌سابقه است و تصور چنین دستکاری‌هایی در آمار خدای ناکرده در ذهن هیچ‌کسِ نمی‌گنجد. همه می‌دانیم که دولت مهرورز استثنائاً این دستکاری جزیی در آمار بیکاری را به خاطر حفظ روحیه‌ی شاداب و شنگول جامعه و ناامید نشدن قشر بیکار انجام داده و منظور دیگری نداشته است!

فتنه‌ی بزرگ ته‌لنجی

با همّت و هوشیاری مسؤولین فتنه‌ی بزرگ و خطرناک ته‌لنجی خنثی شد و دشمنان در پیش بردن اهداف شوم و پلید و کثیف خود ناکام ماندند. با اعلام این خبر مسرت‌بخش از زبان جهانبخش استاندار بوشهر، اشک شوق از چشم خیلی‌ها سرازیر شد. در این میان فقط یک سؤال باقی می‌ماند؛ راستی این فتنه را چه کسی به وجود آورد؟!

خانه‌های بی‌چراغ و بخشیدن چلچراغ

وزیر راه و شهرسازی از ساخت پنجاه هزار واحد مسکونیِ برای اقشار کم‌درآمد کشور سوریه خبر داد! واقعاً این بذل و بخشش‌ها از کیسه‌ی چه کسی صورت می‌گیرد؟! وقتی که هر روز در خبرها از زندگی سخت و طاقت‌فرسای اقشار کم درآمد هموطنان می‌خوانیم. آیا مسؤولین بخشنده‌ی دولت نمی‌دانند به عنوان نمونه در همین بوشهر کوچک خودمان (کنار جاده‌ی میدان هوایی به میدان برج) پیرمرد و پیرزنی به همراه کودکان معلول‌شان چند شب را زیر باران به صبح رساندند! به راستی چراغی که به خانه رواست را چرا این چنین نه به مسجد که به خانه‌ای دیگر می‌بخشند؟!

خلیج فارس یا خلیج همیشه فارس

با توجه به ادعای بی‌اساس برخی از کشورهای تازه به دوران رسیده‌ی خلیج فارس و آلودن پسوند این عنوان با توهمات و خودبزرگ‌بینی‌های خود، شماری از هموطنان تأکید دارند که خلیج فارس را با عنوان خلیج همیشه فارس نام ببرند تا جایی که کلمه ی «همیشه» خود را به زور بین کلمه‌ی خلیج فارس جا کرده و بین این دو جدایی انداخته است. اما آن چه که نیاز به تأکید و تکرار دارد همان عبارت «خلیج فارس» است، آن هم بدون هیچ پسوند و پیشوندی.

فقط پراید سفید

یکی از دوستان در پی خرید یک ماشین پراید مدلِ ۸۷ به بالا بود و تأکید داشت که رنگ پراید حتماً سفید باشد. وقتی دلیل این اصرار وی را مبنی بر سفید بودن پراید جویا شدم، جواب جالب و عجیبی شنیدم. او می‌گفت چون پراید سفید در جاده‌ها زیاد است، اگر در حین رانندگی مرتکب خلافی شدم، می‌توانم خودم را بهتر در خیل ماشین‌های پراید سفید از چشم مأموران پنهان کنم!! باعث تأسف است که قانون‌گریزی و دور زدن قانون همراه با چنین آینده‌نگری‌هایی تا بطن اندیشه‌ی برخی از افراد جامعه نفوذ کرده است.

زیباترین محل بوشهر کجاست؟!

یکی از زیباترین و توریستی‌ترین محل‌های دیدنی استان بوشهر و حتا کشور ایران که می‌تواند گل لبخند را بر لبان هر بازدید کننده‌ای بنشاند، سازه‌ای نوین است که در ساحل بوشهر قرار دارد. میله‌ای دراز و خوش‌قواره که روزی پرچم ۲۵۰ متری بالای آن آویزان بود! خداوکیلی این میله‌ی بی‌مصرف چقدر حرص مردم را در می‌آورد؟!

مردم بوشهر غم نان دارند؛ استاندار دغدغه دیگر!

آقای استاندار، مردم بوشهر پایبند حجاب و شعایر مذهبی اند، نگرانی شما بیهوده است

ابوالحسن گنخکی



طی ماه های اخیر محمد حسین جهانبخش استاندار بوشهر به جای پی گیری مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم و رفع موانع توسعه استان وارد فاز فرهنگ شده و بری زنان و دختران بوشهری خط و نشان می کشد. این روزها نیز سرگرم پرو لباس متحد الشکل برای زنان شاغل در ادارات دولتی است. وی وقت خود را صرف اموری کرده که متولی آن امام جمعه به عنوان رییس شوای فرهنگ عمومی استان است. هرچند که بنا بر اطلاعاتی که به بیرون از جلسات مدیران ارشد استان درز کرده حاکی از نارضایتی شدید برخی از علماء استان نسبت به عملکرد ضعیف مدیران استان در امور اقتصادی است.

در این خصوص باید نکته ای را به استاندار غیر بومی بوشهر که با دقت در اظهاراتش براحتی می توان فهمید وی نسبت به استان و مردم آن شناخت کافی ندارد یادآور شد و آن نکته این است که مردم بوشهر مردمی با فرهنگ والای اسلامی و مذهبی هستند و طی قرن ها زندگی مسلمانی ثابت کرده اند خود بیش از دیگران اصول و قواعد مذهبی را رعایت می کنند.

زمانی که بوشهری ها برای دفاع از وطن و ناموس خود در برابر متجاوزین بیگانه ایستادند و امثال رییسعلی ها را تقدیم اسلام و میهن کردند خیلی ها با الفبای غیرت بیگانه بودند و محمود افغان ها در سرزمین شان جولان می دادند. همین حالا نیز اگر استاندار بوشهر نگاهی به شهرها و استان های دیگر و وضعیت حجاب و شعایر مذهبی آنجا داشته باشند به راحتی در می یابند نگرانی ایشان بیهوده است. درست است که امر به معروف ونهی از منکر وظیفه هر مسلمانی است اما در این اوضاع آشفته اقتصادی استان بهتر است ایشان به فکر یافتن راه چاره ای برای حل مشکلات معیشتی و اشتغال مردم باشند. حجاب زنان و دختران را بسپارند به خود مردم بوشهر.

فتنه ته لنجی یا فتنه گرسنگی

نقدی بر سخنان استاندار بوشهر

محمد مهدی بوشهری



استاندار بوشهر در سخنانی اظهار داشته که خوشبختانه توانسته اند فتنه ته لنجی را دفع نمایند. حقیقت مطلب اینکه این روزها نگریستن همه چیز به عنوان یک فتنه از سوی برخی از مسئولانی که باید آن مسایل را رفع نمایند، دردی را از جامعه دوا نمی کند.

در حال حاضر حدود ۲۴۰۰ لنج فعال در گمرکات استان بوشهر در حال ترددند که به طور متوسط هر کدام بیشتر از ۸ ملوان دارند و چنانچه هر ملوان معیشت ۸ نفر را بر عهده داشته باشد، حدود ۱۵۴ هزار نفر به طور مستقیم از طریق رفت و آمد این لنج ها زندگی می گذرانند. همچنین بر اساس برآوردهای کارشناسی که صورت گرفته است به صورت مستقیم و غیر مستقیم در حدود ۳۵۰ هزار نفر در استان بوشهر درگیر فعالیتهای گمرکی و سفرهای لنج های ملوانی هستند و از این طریق معیشت خود را تامین می نمایند.

حالا در این شرایط اگر ناگهان دولت تصمیمی بگیرد که معیشت این افراد را که از طریق مسافرت دریایی تامین می شود، به خطر انداخته و با زندگی اقتصادی آنها، بازی کند، آیا این افراد حق اعتراض به این تصمیم را دارند یا خیر؟ آیا اگر به این تصمیم ناگهانی دولت اعتراض نمودند، فتنه ای به پا کرده اند که استاندار و دیگر مسئولان باید برای خاموش کردن این فتنه اقدام کنند؟

نگریستن این گونه به مشکلات مردم و فتنه دانستن اعتراضات به حقی که ملوانان و لنج داران به تصمیم محدود کردن ته لنجی نموده اند، امنیتی نگریستن به مشکل اقتصادی است که زندگی مردم را تحت الشعاع خود قرار می دهد و مردم را به سوی فقر بیشتر می برد.

چه آقای استاندار و دولتمردان مرکز نشین بخواهند قبول کنند و یا اینکه چشمان خود را بر این واقعیت ببندند، بسیاری از خانوارهای ملوانان و زحمتکشان دریا به وجود همین ته لنجی زنده اند و زندگی خود را می گذرانند. قطع و محدود کردن ته لنجی در دراز مدت نتیجه ای ندارد جز اینکه این قشر زحمتکش را فقیرتر و آسیب پذیرتر می نماید و ملوانی و لنج داری مرزنشینان استان بوشهر را به ورشکستگی و نابودی بکشاند.

سطحی نگری است اگر فکر کنیم که با اجازه یکبار تخلیه به لنج ها، مشکل ملوانان و لنج داران را حل نموده ایم. این کار تنها مشکل را به عقب می اندازد. لنج ها پس از تخلیه بارهای خود بدلیل تصمیم جدید دولت در محدود کردن ته لنجی، در همان اسکله ها لنگر می اندازند و ملوانان و لنج داران بیکار به خانه می روند و تنها با مشکلات زندگی و بدهی های هنگفت بانکی باقی می مانند.

اعتراض به تصمیم دولت که مستقیما معیشت مردم را به خطر انداخته و زندگی را بر آنان سخت می کند، نه فتنه است و نه فعالیت سیاسی و نه کار انتخاباتی. این وظیفه استاندار است که صدای اعتراض مردم را به دولتمردان مرکز نشین برساند نه اینکه با فتنه نامیدن این اعتراضات، فضا را برای برخورد امنیتی با این اعتراضات فراهم آورد.

آیا کار، نوشداروی افسردگی مادران است؟

نویسنده: الیور جیمز

مترجم: سید حسین نبوی

ترجمه اختصاصی نسیم جنوب



مادرانی که بچه های زیر سه سال دارند و بطور تمام وقت کار می کنند احتمال افسردگی شان بسیار بالاست؛ در حالی که مادران خانه دار احتمال افسردگی شان نسبت به آنها بهتر است، اما خطر افسردگی شان بیشتر است نسبت به کسانی که پاره وقت کار می کنند. البته همه اینها بستگی به این دارد که شما و همسرتان چطور آدمی هستید! سه شیوه اصلی برای مادری شناخته شده است: «مقرراتی ها»، که معتقدند بچه باید خود را با آنها سازگار کند؛ «نازپروران»، که خود را با بچه سازگار می کنند؛ و «مادران انعطاف پذیر»، که گاهی خود را سازگار با بچه ها و گاهی بچه ها را سازگار با خود می کنند.

احتمال اینکه «مقرراتی ها» بطور تمام وقت کار کنند بسیار بیشتر از دیگران است. در جمعیت آماری که شامل ۲۰۵ مادر بود در طی بارداری، «مقرراتی ها» خود را محبوس نقش مادری احساس می کردند و در آرزوی بازگشت سریع به زندگی عادی بودند. خطر افسردگی پس از زایمان شیوه «مقرراتی ها» سه برابر بیشتر پیش بینی شد که به سرعت پس از زایمان پیشرفت می کرد. پس از زایمان و در ماه های اولیه ۳۰درصد «مقرراتی ها»، در مقایسه با ۱۴درصد «نازپروران» و ۱۱درصد «انعطاف پذیران»، افسرده شدند. پس از تولد نوزاد تنها ۳۷درصد «مقرراتی ها» گفتند که از مادری لذت می برند البته پس از سه ماه ۶۰درصد شان از مادری لذت می بردند. برای آنها ماه های اولیه مشکل بود و نوزاد را کسل کننده می انگاشتند.

عامل اصلی افسردگی مادران میزان برآورده شدن انتظاراتشان از مادری در پیش از زایمان و زندگی پس از آن بود. بین ۳۶۰۰۰ مادر کانادایی تنها ۳،۶ درصدشان که از توازن بین شغل و کار خانه راضی بودند احساس افسردگی می کردند، در مقایسه با ۲۱ درصدی که احساس می کردند توازن شغل و کار خانه شان در یک ماه گذشته بر قرار نبوده است. تحقیقی موثق اهمیت بالای انتظارات را برای زوجین و افراد نشان داده است. جمعیت آماری این تحقیق شامل ۶۸۰ زوج بود و چهار نوع زندگی زناشویی شناسایی شد.

در نوع اول، زن شغلی ندارد، او و همسرش معتقدند که جایش در خانه است و زن تمام کارهای خانه و بچه داری را می کند. در این نوع احتمال افسردگی زن از شوهر بیشتر است، اما احتمالش کمتر از نوع دوم است.

نوع دوم مانند نوع اول است با این تفاوت که در این نوع زن شاغل است و آنها هر دو می خواهند که شاغل نباشد. چرا که بر خلاف میل زن است و او در این نوع بیش از هر وضعیت دیگر افسرده می شود. جالب اینکه احتمال افسردگی شوهر حتی بیشتر از زن است و او بیشتر دچار افسردگی می شود.

در نوع سوم، زن شاغل است و این موضوع مورد تایید زوجین است، اما زن تمام کارهای خانه را انجام می دهد. در این نوع شوهر راضی است اما زن تا حد نوع اول دچار افسردگی است: زن احساس می کند که اصلن منطقی و منصفانه نیست که او هم در خانه و هم در خارج از خانه کار کند.

سرانجام، در نوع چهارم زوجین شغل زن را تایید می کنند و کارهای خانه را هم مشترک انجام می دهند. زن همچنان نسبت به مرد بیشتر در خطر افسردگی است، اما در این وضعیت خطر افسردگی برای هر دو در کمترین میزان و اختلافات در کمترین حد است. بنابراین هر چه سریع تر تصمیم بگیرید که چه مادری می خواهید باشید و چه وضعیتی بین شما و همسرتان مناسب تر و بهتر است. مطمئنن وضعیت تان بی عیب و نقص نیست زیرا به ندرت یافت می شوند کسانی که پیش از تولد بچه همه چیز را برنامه ریزی کنند. کلید اصلی جلوگیری از افسردگی این است که تا آنجا که می توانید خواسته های حقیقی و برنامه های واقعی خود را سازگار و هم سو کنید. بطورکلی بیشتر «مقرراتی ها» وقتی بسیار شاد می شوند که شاغل باشند. اکثر «نازپروران» درپی کار و درآمد نیستند و بیشتر مادران «انعطاف پذیر» بهتر است شغلی پاره وقت داشته باشند.

منبع: گاردین http://www.guardian.co.uk/

زخم های به جای مانده از جنگ

نویسنده: اریک نیو هاوس

ترجمه: مصطفی دهقان

ترجمه اختصاصی نسیم جنوب



طبق گزارشی که از سوی سازمان امور رزمندگان در آمریکا منتشر شده است، بیش از نیمی از رزمندگانی که سابقا در عراق و افغانستان جنگیده اند، در حالی به خانه باز می گردند که دچار مشکلات روحی و جسمی هستند و نیازمند درمان اند. دکتر سونیا باتن، مدیر بخش خدمات درمانی سازمان امور رزمندگان می گوید " تعداد این سربازان سابق که نیازمند درمان هستند به طور بی سابقه ای زیاد است، که البته از جهاتی هم بسیار عجیب است."

گرچه مشخص شده است که طبق گزارش موسسه تحقیق و توسعه آمریکا در سال ۲۰۰۸، از هر سه نفر سرباز آمریکایی یکیشان همراه با اختلال استرسی پس از سانحه، افسردگی شدید و یا آسیب مغزی به خانه باز می گردند، اما آسیب مغزی بسیار کمتر از آن چیزی بود که قبلا پیش بینی شده بود.

دکتر باتن ژوئن گذشته اظهار داشت که از میان ۲ میلیون سربازی که از سال ۲۰۰۲ تاکنون در عراق و افغانستان مشغول جنگ بوده اند، یک میلیون و سیصد هزار نفرشان خدمت نظامی را ترک کرده اند و اکنون باید تحت مراقبت های درمانی و بهداشتی امور رزمندگان قرار گیرند. حدودا هفتصد هزار نفر از آنان (۵۳ درصد) تحت درمان و مراقبت های بهداشتی امور رزمندگان قرار گرفته اند.

گرچه این آمار نشان دهنده ی مشکلاتی است که به دلیل نبردهای شبانه روزی و ماموریت های متعدد جنگی ، امروز گریبانگیر سربازان سابق شده است اما از طرفی هم نشان دهنده ی منابعی است که دولت اوباما به سازمان امور رزمندگان تخصیص داده است. بودجه درخواستی اوباما برای سال ۲۰۱۲ جهت امور رزمندگان مبلغی بالغ بر ۱۳۲ میلیارد دلار بوده که نسبت به سال ۲۰۰۹ یعنی هنگام به روی کار آمدن اوباما، ۲۳ درصد افزایش را نشان می دهد. و این مبلغ با در نظر گرفتن اوضاع نابسامان اقتصادی این روزها، بسیار برجسته تر و چشمگیرتر خواهد بود.

اما به عقیده ی مایک زاکیا که یک ناخدا دوم نیروی دریایی بوده و اکنون به سبب جراحات جنگی حاصل از جنگ در عراق بازنشسته شده است، این مبلغ نیز ناکافی است. در گفتگویی معتقد بود که " هنوز مدت زمان انتظار برای دریافت خدمات درمانی بسیار طولانی است و این تازه اول راه است. و به زودی سازمان امور رزمندگان مملو خواهد شد از رزمندگان سابقی که در عراق و افغانستان مشغول جنگ بوده اند و حالا نیازمند خدمات درمانی هستند و اگر امور رزمندگان نتواند به این حجم تقاضا پاسخ دهد، مطمئنا با یک سونامی عظیم از این سربازان روبرو خواهد شد که بی شک این سازمان را فلج خواهد ساخت."

به گفته دکتر باتن، مهم ترین آسیبی که سربازان از آن می نالیدند درد مفاصل (در ناحیه گردن، کمر، ران و زانو ها) بود که اینها همه همان صدمات و آسیب هایی است که معمولا در میان سربازانی که با کوله پشتی های سنگین از کامیون های بزرگ بالا و پایین می پرند بسیار رایج است.

امور رزمندگان تا کنون ۳۹۶ هزار و ۵۵۲ نفر از این سربازان را تحت مراقبت های درمانی جهت مشکلات عضلانی اسکلتی قرار داده است، یعنی حدود ۳۰،۵ درصد از سربازان بازگشتی. اما دومین مشکل و آسیب عمده ای که این سربازان دچارش هستند مشکلات روانی است. طبق آمار منتشر نشده ی امور رزمندگان، تا کنون ۳۶۷ هزار و ۷۴۹ سربازی که در افغانستان و عراق مشغول نبرد بوده اند، مورد درمان های روانی قرار گرفته اند.

این تعداد برابر است با ۵۱،۷ درصد از کل سربازانی که دچار این مشکلات هستند و به عبارت دیگر یعنی ۲۸،۲ درصد از آن یک میلیون و سیصد هزار سربازی که به خانه بازگشته اند. و این آمار همچنان رو به فزونی است چرا که تازگی نیز سربازانی که از جنگ بازگشته اند، علائمی از اختلالات اضطرابی پس از سانحه را نشان داده اند.

معمولا کمتر اتفاق می افتد که سربازان بلافاصله پس از جنگ استرس ها، اضطراب و فشارهای روانی جنگ را تجربه کنند و تقریبا پس از شش ماه تا یک سال و یا بیشتر و وقتی که شادی و رضایت بازگشت به خانه فروکش کرد، شروع به بروز علائم استرس می کنند.



شایع ترین مشکل روانی در میان ۱۹۷ هزار و ۷۴ سربازی که به خانه بازگشته بودند اختلال استرسی پس از سانحه بود که این تقریبا ۱۵ درصد از کل سربازان بازگشتی است. دومین مشکل رایجی که حدودا ۱۴۷ هزار و ۶۵۹ نفر از سربازان را مجبور به درمان کرد افسردگی بود که این یعنی ۱۱،۳ درصد از کل سربازانی که به خانه باز گشته بودند. سومین مورد اختلال اضطرابی بود که برای ۱۲۶ هزار و ۶۷۳ نفر از سربازان خدمات درمانی ارائه شده است و این یعنی ۹،۷ درصد از کل سربازانی که به خانه بازگشته اند. همچنین در برخی موارد نیز برخی از سربازان دچار چندین اختلال بوده اند.

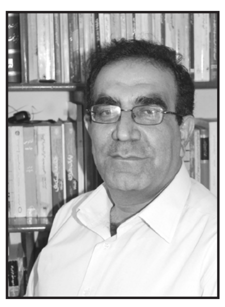
این اعداد و ارقام موید این واقعیت است که طبق گزارش موسسه تحقیق و توسعه، تقریبا ۳۰ درصد از زنان و مردان نظامی آمریکا پس از بازگشت از عراق و افغانستان نیازمند مراقبت های درمانی روانی خواهند بود. اما میزان آسیب های مغزی بسیار کمتر از آن چیزی بوده است که پیش بینی شده بود.

منبع: http://www.psychologytoday.com

بازتاب

کردار نیک بوشهری ها

دکترسعید معدنی ـ تهران



«بوشهری ها مردمانی خوب وخونگرم هستند.» این صحبت هر ایرانی است که مدتی در بوشهر زندگی کرده و یا با آنان حشر و نشر داشته است. بوشهری ها همیشه قدردان کسانی هستندکه به آنها خدمتی کرده باشد. فرقی نمی کند این خدمت از سوی یک پزشک باشد و یا یک کارگر ساده. شاهد آن هم مصاحبه هفته نامه نسیم جنوب با یک کارگر افغان به نام «رحمان میرزایی» است که در شماره ۶۴۰، روز ۱۱ آبان ۱۳۹۰ به چاپ رسیده است.

شما چند نشریه در سراسر ایران می شناسید که سراغ افغان های گمنام و زحمت کش ـ این میهمانان دست از همه جا کوتاه ـ رفته و پای درد دل آنان بنشیند و سخنانشان را چاپ کند؟ بی شک این از آن دست کارهایی است که از بوشهری های قدرشناس برمی آید. رفتار نیکویی که در نشریات استان ها کمتر مشاهده می شود. این درحالی است که بعضاً با این میهمانان همزبان، با نامهربانی برخورد می شود.

پیشنهاد می کنم مصاحبه را حتماً بخوانید. این کارگر افغان ـ رحمان میرزایی ـ با جان و دل برای بهبود زمین چمن ورزشگاه تیم فوتبال شاهین بوشهر کار می کند. صادقانه و بی ریا سخن می گوید و عاشق شاهین بوشهر است. او دوست دارد شاهین قهرمان باشد. آنقدر عاشق شاهین است که حتی نام فرزند خود را نیز «شاهین» گذاشته است! جالب آنکه به درگاه خدا دعا کرده است که اگر خداوند فرزند پسری به او بدهد نام او را «شاهین» بگذارد: «از خدا خواستم اگر پسری به من داد، اسمش را «شاهین» بگذارم.»

نسیم جنوب صرفاً به مصاحبه صوری اقدام نکرده، بلکه به مشکلات این میهمان دست از همه جا کوتاه هم اشاره کرده است و آن اینکه با داشتن خانواده ای پنج نفره، ۱۱ ماه است که حقوق ماهیانه ۳۵۰ هزار تومانی اش را دریافت نکرده است. وی در قسمتی از این گفت و گو می گوید: «الان که پیش شما هستم، ۱۱ ماه است همین حقوق اندک هم به تعویق افتاده و جلو خانواده ام شرمنده ام،....»

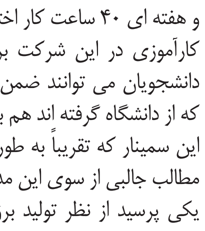
نشریه نسیم جنوب، رسالت مطبوعاتی خود را که برگرفته از همان اخلاقیات دیرینه بوشهری است، انجام داده؛ حال این مسئولین ورزشگاه هستند که میهمان نوازی را تکمیل کرده و حقوق معوقه وی را پرداخته و حقوق ماهیانه او را نیزبه موقع بپردازند تا شرمنده ی خانواده اش نباشد.

در آخر نکته ای را نیز یاد آور می شوم: این از اخلاق خوب بوشهری است که شما پس از مدتی معاشرت با آنان، علاقمند این شهر و مردمانش می شوید. شادی های آنان شادی شما، و غم هایشان غم شما می شود. نگارنده مدتی را در دانشگاه پیام نور بوشهر تدریس کرده و پس از آن نیز با مردم این شهر کم و بیش ارتباط داشته است. جالب آنکه با اینکه متولد و ساکن تهران هستم، هروقت که تیم شاهین بوشهر مسابقه داشته باشد، دوست دارم که این تیم برنده شود و زمانی که با تیم مورد علاقه ام مسابقه داشته باشد، دوست دار م نتیجه بازی مساوی باشد! برای تیم شاهین موفقیت، و برای همه بوشهری های خونگرم و عزیز بهروزی و سلامتی آرزومندم.

دنیای دانش

فرصت کارآموزی

دکتر طالب موذنی



چند هفته پیش سمیناری در بخش برق دانشگاه نوادا، لاس وگاس برگزار شد که در آن مدیر ارشد بخش مهندسی شرکت برق نوادا در مورد فرصت کارآموزی برای دانشجویان رشته مهندسی برق در مقاطع کارشناسی و کارشناسی برق صحبت کرد.

کارآموزی یکی از سیستم های آموزشی حرفه ای است که در دوره ای موقت (معمولاً چند ماهه) دانشجویان به فراگیری مهارت های شغلی در تخصص خود مشغول می شوند. در آمریکا به کارآموزان تقریباً در همه موارد مقداری به عنوان مزد پرداخت می کنند. این مقدار طبق قانون کار آمریکا باید حداقل مزد دریافتی یک شاغل باشد. برای نمونه، آنچنان که در این سمینار گفته شد، در شرکت برق نوادا ساعتی بین ۱۰ تا ۲۰ دلار و هفته ای ۴۰ ساعت کار اختصاص می دهند.

کارآموزی در این شرکت برای ۳ ماه تابستان است و البته دانشجویان می توانند ضمن کار، به درس ها و کلاس هایی که از دانشگاه گرفته اند هم برسند.

این سمینار که تقریباً به طور کامل با پرسش و پاسخ گذشت، مطالب جالبی از سوی این مدیر فنی عنوان شد.

یکی پرسید از نظر تولید برق مورد نیاز آیا همچنان در حال سرمایه گذاری هستید. پاسخش این بود که طراحی نیروگاه ها و سیستم های مرتبط با تولید برق با توجه به پیک مصرف صورت گرفته و از چند سال پیش که به حد لازم رسیده اند، دیگر لزومی به افزایش آن ندیده اند.

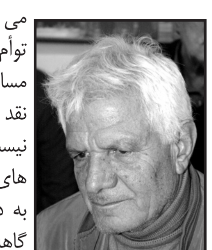
پرسش دیگر این بود که تولید برق از چه طریقی ارزان تر تمام می شود، که در پاسخ نیروگاه های هیدرولیک (از طریق توربین آبی و استفاده از آب پشت سد) به عنوان ارزان ترین راه نام برد، اما در بقیه موارد آن را متفاوت دانست: از طریق نیروگاه هسته ای، هزینه ساخت نیروگاه بسیار بالا است اما سوخت آن تقریباً رایگان است، در حالیکه در نیروگاه گازی (گاز طبیعی) ساخت نیروگاه ارزان تر اما سوخت آن گران تر است.

پرسش دیگر در مورد تولید برق با سلول های خورشیدی فوتوولتائیک بود که ۲ مشکل اساسی را برای آن برشمرد یکی هزینه نسبتاً بالای این قطعات و دیگری ناپایداری آن در طول روز که شدیداً وابسته به محیط و شرایط آب و هوایی می باشد.

نسیم جنوب
۶
اجتماعی
شماره ۶۴۵ - یک شنبه ۲۰آذر ماه ۱۳۹۰
NASIM JANOUB

نکته هایی زندگی

ناصر علیخواه



می گویند زندگی شیرین است ولی توأم با برنامه ریزی و منتقدین مسایل اجتماعی بر این باورند که نقد کردن، نفی کردن اصل موضوع نیست، بلکه راهکار است. برای مولفه های بعدی، مثل تجربه اندوزی های به دست آمده در طول حیات که گاها کاربرد مثبت دارد.

در چشم اندازی که به نحوه زندگی اجتماعی جامعه خودمان در گذشته داشتم به مسائل مهمی در زندگی ساده مردم برخوردم که در عین حال به آینده نگری اقتصادی آنها اشاره شده بود که نظرم را جلب کرد و برای خانواده ها به خاطر اهمیت موضوع و توجه دادن آنان به فراز و نشیب های زندگی آینده فرزندان خود می تواند مفید باشد. بیش از صد سال است که از عمر خودروسازی در جهان می گذرد، و خودروسازان ما در اثر تولید انبوه بی کیفیت اغلب شنیده می شود خوردو در حال سوخت گیری آتش گرفته است و یا مسئله کمربند که این روزها به علت ترافیک جاده ای و عدم رعایت بستن کمربند تلفات قابل توجه ای به همراه داشته است که منجر به مرگ و میر بیش از چندین هزار نفر از هم وطنانمان شده است. جامعه شناسان معتقدند که آموزش و نحوه بکارگیری و آشنایی با سختی ها و آسودگی های زندگی از ملزومات اولیه است که از خانواده و آموزش آن در مقاطع مختلف تحصیلی و جامعه شکل می گیرد.

وقایع نگاری می نویسد: این بنده که قریب هشتاد سال عمر دارم و بزرگ شده مشهد مقدسم، یادم می آید که تا هفتاد سال پیش از این در شهر و بلاد دیگر هم چنین بود که در اوایل پاییز خانواده هایی که زندگی متوسط و معمولی داشتند یکی دو گوسفند پرواری چاق و چله را و بر در خانه خود می کشتند و قصابی که متصدی این کار بود می آوردند و گوسفند را سر بریده و با مهارت خود پوست آن را می کند و شکمبه اش را خالی می کرد و پوست و روده را که سهم معمول خود او بود به کناری می گذاشت و دل و جگر و قلوه را هم در لگن یا سینی می نهاد و سپس لاشه گوسفند را به قطعاتی تقسیم می کرد و یکی دو قران هم دستمزد می گرفت و پی کار خود می رفت.

و بلافاصله کدبانوی خانه دست به کار می شد و پس از شستشوی کامل قطعات، ابتدا «دنبه» را به قطعات ریز خرد می کرد و آن را در پاتیل های چدنی که برای همین کار قورمه و قلیه و یا قیمه درست کردن گوشت اختصاص داده می شد جای می داد. و پس از پختن روغن جوشی (دنبه) نان گرده نازک و شکر اندودی کم کم نزدیک می کردند پس از آن که دنبه ها را که به رنگ قرمز یا طلایی در آمده و روغن آن ها رفته و به آن «جزغاله» می کنند از پاتیل بیرون می کشیدند و به اطرافیان که کمک کرده اند در پخت و پز و دهانشان به آب افتاده بود می دادند و می خوردند و لذت می بردند... و تکه های گوشت پخته شده پس از سرد شدن روز بعد در انبان یا در دبه های مسی جای می دادند. و در سردترین محل هر خانه نگه داشته می شد. تا در زمستان که همه جا به علت سرما بسته و از ترس سرما از خانه بیرون نمی توانستند بیرون بیایند؛ سر انبان و دبه را باز می کردند و از آن غذای ذخیره غذای گوشتی منظور را فراهم می آورد. درباره سرما این نکته را اضافه کنم که شاعر مرزبان نامه می نویسد: «زسرما های سختش مرغ آبی / حسد می برد بر مرغ کبابی»

راستی چه قدر زندگی طبیعی و ساده زیستی که توأم بود با یادگیری وآموزش پخت و پز در خانواده در گذشته لذت بخش بوده است.

پدر و کدبانوی خانواده در امر صرفه جویی اقتصادی و آشنا کردن فرزندان، به نحوه زندگی باید تلاش کنند که اگر روزی سیب زمینی از کیلویی ۱۰ ریال به ۱۰ هزار ریال رسید بتوانند از عهده زندگی برآیند و ترس و استرس نگیردشان ورنه آن طرف تر ممکن است حمله قلبی لحظه های شیرین ز ندگی را ازش می گیرد.

بی سبب نیست که می گویند شادی پروانه زمانی است که: «هر چه تقلا کنی نمی توانی آن را شکار کنی باید آرام باشی تا روی شانه ات بنشیند».

نشان مرد خدا عاشقی است

در فقیدان شادروان حاج عبدالنبی سیمرونی

علیرضا مظفری‌زاده

به راستی چگونه باور کنم فراق دوستی را که ده‌ها سال با او مأنوس بودم. دوستی که سرشار از صداقت، صمیمیت اخلاص و احساس بود. برخی از دوستان گرامی از من خواستند که درباره برادر ارزشمند و یار قدیمی ام مرحوم حاج عبدالنبی سیمرونی مطلبی بنویسم؛ دوستی که به یکباره پس از چند ماهی تحمل رنج بیماری دعوت حق را لبیک گفت و رخ در نقاب خاک کشید.

ابتدا نپذیرفتم و به قول هاتف اصفهانی:

من شرمنده از مسلمانی
شدم آنجا به گوشه‌ای پنهان

زیرا بنا به پاره‌ای ملاحظات مدت‌هاست از گفتن یا نوشتن خاطره ابا دارم مخصوصاً سال‌های دیرتر. از طرفی دیگر آنچه را هم که به یاد داشته‌ام ـ هر چند کوتاه و مختصر ـ مستند به عکس و سند کرده‌ام و در کتابی تحت عنوان «نسیمی از دفتر ایام» منتشر نموده‌ام. کتاب در واپسین ماه‌های سال ۱۳۸۷ چاپ شد ولی به سبب پاره‌ای مشکلات با چند ماهی تأخیر در طلیعه تابستان سال ۱۳۸۸ توزیع گردید.

این بار اما چاره‌ای جز اجابت خواسته دوستان ارجمندم ندارم لذا شمه‌ای از آنچه درباره یار دیرینه‌ام در خاطر دارم در اینجا می‌نگارم، یاری که هر چه قدر درباره فضایل او نوشته شود کم است.

من در اواخر دهه ۱۳۴۰ هـ.ش که به تازگی در اداره کشاورزی بوشهر به عنوان ماشین‌نویس قراردادی مشغول به کار شده بودم روی علاقه‌ای که به مباحث مذهبی داشتم در جلسات دعایی که در مسجد محله دواس تشکیل می‌شد شرکت می‌کردم.



سیمرونی (نفر اول سمت چپ) با دوستان عهد قدیم

در آنجا با دوستانی چند از جمله مرحوم عبدالنبی سیمرونی آشنا شدم. البته او حدود ده سالی از من بزرگتر بود و طبعاً سابقه دینداریش نیز بیشتر. سیمرونی در نوجوانی در مسجد پیرزن (فاطمه زهرا (ع) کنونی) مکبّر نمازهای جماعتی بود که به امامت پیشوای مذهبی آن زمان بوشهر یعنی آیت‌الله سیدمحمدتقی حجت اقامه می‌شد. این زمان قاعدتاً بایستی اوایل دهه ۱۳۳۰ باشد؛ چون آن مرحوم اواخر همان دهه به عنوان کارمند به استخدام بانک ملی در آمده بود. در آن دوران کارمند دولت بودن ارج و اعتباری داشت!

سیمرونی در مسجد دواس با سوز و گداز قرآن و دعا می‌خواند و چون اهل مطالعه بود گاهی هم به مناسبتی سخن می‌گفت. آشنایی ما ادامه یافت و به جلسات صبح‌های جمعه در مدرسه علمیه امامت کشیده شد. مدرسه‌ای که تحت سرپرستی آیت‌الله سیدمصطفی حسینی‌دشتی در بازار (صفا) بوشهر فعالیت می‌کرد. اوایل دهه پنجاه سیمرونی رئیس بانک ملی شعبه بندر ریگ شده بود. او را گاهگاهی می‌دیدم. مرحله دوم انجمن مبارزه با بهائیت در همین سال‌ها در بوشهر فعّال شده بود و من هم با تنی چند از دوستان در جلسات آن شرکت می‌کردیم. نسل اوّل انجمن را مرحوم سیمرونی با دوستان دیگری اداره کرده بودند. جلسات ما مانند سکه دو رویه بود. یک روی آن آشنایی با تعالیم بهائیان برای مبارزه با آنها و رویه دیگرش مطالعه جدیدترین کتاب‌ها و نظرات علمای اسلامی و گوش دادن به نوارهای سخنرانان مذهبی از جمله بیانیه‌های امام خمینی (ره) که در آن زمان ساکن شهر نجف بود.

در سال ۱۳۵۱ که همراه با تعدادی از دوستان از جمله آقایان محمد حسین جمشیدی و عبدالله فاتحی برای اولین بار به مشهد رفته بودیم، آقای سیمرونی در آنجا به ما پیوست و با آشنایی قبلی که با مذهبی‌های مشهد داشت ما را به جلسات آنها راهنمایی می‌کرد. این کارها از نظر ساواک پنهان نماند و در نهایت همه ما را در اسفند ۱۳۵۱ بازداشت کرد. بازداشت برای شخص مجرّد سختی کمتری دارد و از این گروه تنها سیمرونی متأهل بود و پسری چند ماهه داشت. او دوران سخت بازجویی را با مقاومت و بردباری گذراند. مدت کمتر از دو ماهی در زندان شهربانی بوشهر واقع در نزدیکی مسجد شیخ سعدون محبوس بودیم. سیمرونی با صدای خوشی که داشت شب‌های جمعه دعای کمیل می‌خواند و گریزی هم به صحرای کربلا می‌زد. به مصداق هر چه از دل بر آید لاجرم بر دل نشیند روضه‌خوانی سیمرونی نگهبانان زندان را هم به گریه می‌انداخت. تابستان سال ۱۳۵۲ در زندان عادل‌آباد گذشت. زندان برای او محل تعلیم و فرا گرفتن آموزش‌های سیاسی و دینی بود.

پس از اتمام دوره ۶ ماهه زندان مدتی در شرکت‌های ساختمانی که پیمانکار نیروی دریایی ارتش بودند کار کرد و سپس به محل کار سابقش یعنی بانک ملی بازگشت. گر چه به علت خفقانی که رژیم شاه در دهه پنجاه ایجاد کرده بود سیمرونی نمی‌توانست به صورت علنی مخالفت کند اما بر عقیده‌اش ثابت و استوار باقی ماند.

سال ۱۳۵۷ زمانی بود که او دوباره فرصت یافت تا همراه و گاهی پیشاپیش مردم به مبارزه با ظلم و استبداد حکومت پهلوی ادامه دهد.

با پیروزی انقلاب اسلامی سیمرونی در هسته اولیه برگزار کننده رفراندوم قرار گرفت و بعد از آن در تمام یا بیشتر انتخابات هایی که در شهر بوشهر برگزار می شد عضو هیأت اجرایی بود. مسئولان و مردم نیز به پاکی و صداقت و امانت داری او اعتماد داشتند هرچند که او خود همواره در امور عام المنفعه پیش قدم بود.

بعد از انقلاب سیمرونی سال ها سکان سرپرستی شعب بانک ملی استان بوشهر را در دست داشت. در اواخر دهه شصت از او خواستند که سرپرستی شعب بانک ملی استان قم را بپذیرد. یکی دو سال در آنجا خدمت کرد. دلسوزی، صداقت و درستکاری او در آنجا هم زبان زد شد. آن مرحوم نقل می کرد که در زمان خدمت در قم اواخر اسفند ماه و نزدیکی نوروز سال ۱۳۷۰ که بانک ها پس از ساعت ها کار شبانه روزی حساب های سال قبل را می بندند، متوجه می شود که خزانه مبلغ چند ده میلیون تومان کسری دارد. بلافاصله به مأمورین انتظامی بانک دستور



می دهد تمام درهای بانک را ببندند و از خروج کلیه کارکنان جلوگیری کنند. سیمرونی خود شخصاً به خزانه می رود و با بررسی های دقیق و کارشناسانه متوجه نبود آن مبلغ می شود. او می گفت هنگامی که جای خالی اسکناس های گم شده را پیدا کردم کارمند مأمور در خزانه بانک روی زمین افتاد و غش کرد. او در اسرع وقت مراتب را به بانک ملی مرکز اطلاع می دهد. ناگاه افرادی از بیرون بانک در شهر قم به یاری کارمند خاطی می شتابند و مبلغ کسری را بلافاصله تأمین کرده و به بانک می پردازند و به این ترتیب او موفق می شود ظرف چند ساعت چند ده میلیون تومان (آنهم پول سال ۱۳۷۰) را به خزانه بانک برگرداند.

پس از تعطیلات نوروز نه تنها با کارمند متخلف برخورد قانونی نمی شود بلکه توصیه های فراوانی از سوی بعضی از آقایان در شهر قم به سیمرونی می رسد. او با ملاحظه چنین اوضاعی و نزدیک به پایان بودن خدمت ۳۰ ساله اش ترجیح می دهد تقاضای بازنشستگی بدهد و از خدمت در بانک معاف شود.

پس از بازگشت به بوشهر گرچه تقاضاهای زیادی از او برای کار در شرکت ها و مؤسسات غیر دولتی با حقوق مکفی دریافت می کند اما تنها در خواست حجةُ الاسلام فاضل فردوسی امام جمعه وقت بوشهر را برای مسئولیت امور مالی حوزه علمیه و دفتر امام جمعه می پذیرد و به سایر درخواست ها پاسخ منفی می هد. او تا پایان دوره آقای فاضل با صداقت، جدیت و حتی ایثار به اوضاع مالی آنجا سروسامان بخشید و در واقع بار کاری چند نفر را به تنهایی و بدون چشم داشت به دوش می کشید.

در اوایل دهه ۱۳۸۰ که مسئول ستاد رسیدگی به امور آزادگان استان بودم از او خواسته شد به خاطر سابقه زندانی قبل از انقلابش تقاضای آزادگی بدهد و فرم های مربوطه را پر کند اما با مناعت طبعی که داشت پاسخی نداد. از نیمه دهه ۸۰ مسئولیت امور جانبازان و آزادگان هم به بنیاد شهید و امور ایثارگران محول شد. سیمرونی ۲-۳ سال پیش بنا به عللی درخواست آزادگی به آن نهاد داد. با او همراهی کردم. بیش از ۲ سال قبل فرم ها را پر کرد. شخصاً در بنیاد شهید کارش را دنبال می نمودم. قاعدتاً بایستی ظرف ۶ ماه جواب می آمد. به تمام واحدهای بنیاد شهید استان از صدر تا ذیل مراجعه و مرتباً پیگیری می کردم آنها هم تعقیب می‌کردند ولی هیچ پاسخی دریافت نمی شد. اواخر آبان ماه امسال بعد از دو سال رفت و آمد بنیاد شهید مرکز جواب داد که آقای سیمرونی برای پر کردن فرم به بنیاد مراجعه کند و این در حالی بود که او قبلاً فرم ها را پر کرده و به مرکز هم فرستاده شده بود و اینک وی در بیمارستانی در شیراز آخرین لحظات زندگی اش را می گذرانید.

به قول شهریار: نوشدارویی و بعد از مرگ سهراب آمدی

پس از درگذشتش بنیاد شهید موافقت کرد که در قطعه مربوط به خانواده شهدا به خاک سپرده شود. این البته کاری پسندیده است. اما چه خوب بود که به درخواست های او در زمان حیاتش رسیدگی می شد. او گرچه در تمام دوران خدمت کارهای مالی – اقتصادی در سطح بالا داشت و سال ها بزرگ ترین مؤسسه بانکی استان را مدیریت می کرد اما هرگز یاد خدا و تقوا را از یاد نبرد، پاک زیست و پاک رفت و کیسه ای برای خویش ندوخت. آری او هرچه می توانست برای خود ذخیره کرد اما آنچه اندوخت نام نیک بود و ثواب. به گفته سعدی:

دو چیز حاصل عمر است نام نیک و ثواب
و زین دو درگذری کل من علیها فان

او در زندگی اجتماعی راه اعتدال را برگزیده بود و بدون اینکه شیوه ظاهرسازی را پیشه کند، در دین داریش سخت راسخ بود . می توان گفت او مصداق این حدیث رسیده از امام صادق (ع) است که فرمود : لا تَغْتَرّوا بصلاتهم و لا بصیامهم فان الرّجل رُبّما لهج بالصلوة والصوم حتی لو ترکه استوحش و لکن اختبرهم عند صدق الحدیث و اداء الامانه «به نماز خواندن و روزه گرفتن افراد فریب نخورید زیرا بسا که مرد به نماز و روزه انس بگیرد تا آنجا که اگر آن را وانهد به هراس افتد ولی به راستگوئی و امانت پردازی آنهارا بیازمائید.»

آنچه گذشت تنها گوشه کوچکی بود از خاطراتی که از آن مسلمان راستین به یاد داشتم؛ آنهم خاطراتی از جنبه سیاسی و اجتماعی. بیان خاطرات سی سال کار بانکی و ده سال کار در حوزه علمیه بر عهده همکاران سابقش در این دو مرکز اقتصادی و مذهبی است که اظهار آنها قطعاً زوایای بیشتری از فضایل و اخلاق پیامبرگونه آن مرحوم را آشکار خواهد ساخت. درود خدا بر او و بر همه بندگان راست‌کردار باد.

شوق دیدار مولانا (۲)

در هوای مولانا و شمس

یادداشت های دیدار از ترکیه

محمد محبوبی



در بدو ورود به شهر قونیه ، همسفرانی که در سالهای دورتر، از این شهر دیدن کرده بودند، شهررا با تغییراتی فاحش و اساسی و در ابعاد گوناگون مدرن ، بزرگتر و زیبا تر از پیش توصیف داشتند. انصافا شهر با معماریهای منحصر بفردش زیبا بود و نماد قانون گرائی در تمام موجودیت فعالانه آن بطور مشهود رخ می نمود.

بعد از فراغت از خستگی فزاینده راه طولانی شبانه، گروه به دلخوا یا بصورتی مجتمع و یا انفرادی به دیدار خود از مقبره مولانا و شهر قونیه پرداخت. نگارنده نیز خارج از گروه اما به همراهی یکی از دوستان به گشت و گذار و دیدار خویش پرداختم . در آن حالاتِ دیدار از مقبره مولانا و سپس دیدار از شهری عرفانی و روحانی ، گوئی چون عطار و مولانا در حال دنبال کردن راه رسیدن و گذر از هفت شهر عشق که عبارتند از : طلب ، عشق ، معرفت ، توحید ، استغناء ، حیرت ، فنا ،خود را به حالتی از عرفان و رسم صوفیان می یافتم. به دنبال حقیقتِ موضوع و با حال و هوائی اینگونه به درک مطالب می پرداختم که لذتش توصیف ناپذیراست. در اولین اقدام ، شناخت و درک مولانا و غور در احوال او بانضمام تلاش در یافتن رمز ملاقات شمس تبریزی با خداوندگارِ سیر و سلوک در راه شناخت ذات اقدس ربوبی را در دستور کارِ خود قرار دادم و چون سالکی نیازمند و با کمیتی بسیار لنگ امّا بادلی سرشار از عشق و تشنگی و با حرص و ولع، در پرسش از تذکره این سائرالی الله پیش رفتم تا شاید به او برسم و با چشم و حضور دل به درگه اش کرنش کنان در او غور شوم که در عالم روحانی به صلاحیت نرسیدم و تنها در عالم جسمانی قطره ای از اقیانوسها را برگرفتم تا این عارف جان سوخته را در بضاعت خویش اینگونه شناختم

گرچه من خود زعدم دلخوش و خندان زادم
عشق آموخت مرا شکل دگر خندیدن

نگارنده در برخی کتب و سنگ نوشته ها و از زبان متولیان موزه های قونیه همراه با اطلاعات شخصی خویش ، همچون عاشقی دلخسته و بی تاب به جستجوی مستنداتی در احوال مولانا به اقتباس پرداختم ، آنهم به عبارات ذیل : گویند ، مولانا مردی بوده است زرد چهره و باریک اندام ولاغر، چنانکه روزی به حمام درآمده بود و به چشم ترحم به جسم خود نظر می کرد که بسیار ضعیف گشته است، فرمود که جمیع عمر از کسی شرمسار نگشته ام امّا امروز ازجسم لاغر خود به غایت خجل شدم ، لکن با زردی روی و لاغری ، فرّ و شکوه و مهابتی بسیار داشت وچشمهای او سخت تند و جذاب و پر شور بود. محل تولد مولانا، شهر بلخ و ولادتش را ششم ربیع الاول سال ۶۰۴ هجری قمری نوشته اند .شهرت وی به مولاناء رومی به جهت اقامت طولانی مدت وی در شهر قونیه بوده است.

چون بها الدین ولد سر در حجاب عدم کشید ، مولانا بیست و چهار سال سن داشت . لذا بنا به وصیت پدر یا به خواهش سلطان علاء الدین و برحسب روایت ولد نامه وبه اصرار مریدان ، به جای پدر نشست و بساط وعظ و افادت بگسترد و مجوز فتوی و تذکیر را به رونق آورد، تا اینکه برهان الدین محقق ترمذی که از مریدان بهاء ا لدین ، پدر مولانا بود به او پیوست. سید ترمذی، مولانا را در متون قال ، نادر یافت و به او گفت که شما در جمیع علوم دینی و یقینی از پدر به صد مرتبه و درجه ، گذشته ای امّا پدرِ بزرگوارت ، هم در علم قال به کمال بود و هم در علم حال. لذا من از شما می خواهم که در علم حال ، سلوکها کنی و دینی که از پدر شما در این خصوص به من رسیده است محقق سازید و به حقیقت ، وارث پدر باشید . سرانجام مولانا جهت تحقق خواسته استاد خود به حلب رفت تا در علوم ظاهر ممارست نماید و بعد از آن به دمشق عزیمت کرد و مدت چهار یا هفت سال به آموختن علم و دانش پرداخت. از طرفی مدت پنج سال تمام به تدریس فقه و علوم دینی و علوم(ولم ولاسلم) همت گماشت و از یجوز ولا یجوز(حلال وحرام) سَخن می راند . در این ایام تعدادِ شاگردان مشار الیه را عدد چهار صد اعلام نموده اند.

ازدواج مولانا مصادف است با انقلاب درونی و برونی مولانا ، چرا که شمس تبریزی در سن ۶۰ سالگی به او می پیوندد. بر اثر مصاحبت، مولانا در انوار شمس مستغرق گردید و از یاران منقطع شد. مریدان و اهل قونیه به ملامت و سرزنش او برخاستند ولی مولانا ، سرگرم کار خود بود و می گفت : راه رسیدن به خدا زیاد است، من رقص و موسیقی را بر گزیدم. دراین حال شمس تبریزی از گفتار و رفتار مردمِ متعصب قونیه و یاران مولانا که شمس را ساحر می خوا ندند، رنجیده گشت و هذا فراق بینی و بینک خواند. غزلهای پر سوز مولانا و اصرارِ او بر ماندن شمس ، در شمس الدین اثر نکرد و او به دمشق هجرت کرد. این جدایی در روز پنجشنبه ۲۱ شوال سال ۶۴۳ هجری قمری اتفاق افتاده است . بنابراین تمام مدتِ مصاحبت این دو نفر شانزده ماه بوده است.

مولانا در اواخر عمر، اقدام به نوشتن مثنوی کرد. مولانا روز و شب آرام و قرار نمی گرفت و بنظم مثنوی مشغول بود. بینِ اتمام جلد اول و دوم نیز دو سال فاصله افتاد و سرانجام تا زمانی که جلد ششم به پایان رسید ، چلبی و دیگران می نوشتند و درمجالس خوانده می شد. عملِ به نظم درآوری مثنوی تا آخر عمر مولانا ادامه داشت. گفته اند که صحبت مولانا و چلبی پانزده سال امتداد داشت. سرانجام مولانا نیز به انتهای عمر خود رسید ، و در روز موعود ، مولانا در حالی که سرگرم صحبت با یاران خویش بود به یک لحظه در بستر ناتوانی افتاد و به حمای محرِق (تب سوزنده) دچار گردید. در شب آخر که مرضِ مولانا سختَ شده بود ، خویشان و پیوستگان بر بالینش اضطرابِ عظیم داشتند، مولانا با آخرین نفسهای خویش ، غزل آتشین و پایانی ترین غزلهای خود را در هشت بیت بصورت زیر به نظم در آورد و جهان خاکی را بدرود گفت: روسر بنه ببالین تنها مرا رها کن / ترکِ منِ خرابِ شب گردِ مبتلا کن / مائیم و موج سودا شب تا بروز تنهاَ / خواهی بیا ببخشا خواهی برو جفا کن / از من گریز تا تو هم در بلا نیفتی /بگزین رَهِ سلامت ترک رَهِ بلا کن...

با اتمام هشتمین بیتِ غزلِ مذکور، مولانا نیز از عالم خاک به عا لم پاکَ پیوست . اهلِ قونیه از کوچک وبزرگ بر جنازه مولانا حاضر شدند. عیسویان و یهودیان که صلح جوئی و نیک خواهی مولانا را آزموده بودند ، به همدردی با اهل اسلام، شیون و افغان بر پا کردند . جنازه مولانا را به حرمت تمام بر گرفتند و در تربت مبارک مدفون ساختند . مردم قونیه و یاران مولانا چهل روز تعزیت مولانا می داشتند و ناله و گریه می کردند.

بعد از فوت مولانا، علم الدین قیصر که از اکابر قونیه و ازامرا و سالاران سلجوقیان بود، همت چنان بست که بنائی بر سر تربت مولانا بنیاد کند و بدین طریق تربت مبارک مولانا که آن را قبه خضرا گویند، تاسیس یافت.

چون کاروان ما ، اقامت در قونیه و کنار مقبره مولانا را به اندک زمان و اوقاتی خاص در دستور کارِ خود داشت، تا به مقصد نهائی ، یعنی استانبول بزرگترین شهرِ صنعتی و مرکز خرید ترکیه رسیده دیدار ازترکیه را در آن مکان به پایان برد ، نگارنده نیز باید و بالاجبار شناخت مولانا و یافتن رمز پیوند عشق او با شمس تبریزی را در حد وسع خویش به مثابه قطره ای از دریا، با هزاران پرسشِ بی پاسخ و مجهولاتی آزار دهنده ذهن ، از بسیط و گستردَه این عارف سرالله پایان می دارم. این چنین گشت و در خم یک کوچه تنها ماندم ، تا درشبی به یاد ماندنی وبه پاس احترام مولانا وبه نوعی خداحافظی با او ودر جمع اعضاء کاروان در شب شعر قونوی شرکت جویم. مدیریتِ شبِ شعرِ آن شب، با همکاران ادیب حاضر در کاروان بود. آنان با بیان اشعاری زیبا از مولانا وگلچینی از غزلیات شاعر معاصرش شیخ سعدی شیرازی و دیگران ، همگی را به ذوق اشعار خوانی رسانیده تا هرکس در حد توان خویش در این بزمِ شاعرانه سهیم گردیده برلذت و خاطرات وصف ناپذیرش بیفزاَید. بدین طریق با فریادِ گوش نواز جرس ، بدورد از مولانا و قونیه اش آغاز شد. آخرالامر ، با گذرَانیدن پاسی از شب ، مولانا را به عشق ابدیش قونیه سپردیم و این شهر زیبا را با تمام خاطراتش به دیار بزرگترین شهر ترکیه یعنی استانبول پشتِ سر گذاشتیم، تا باز هم خستگی راه را به جان خریدار باشیم. ادامه دارد...



نگاه مصطفی غضنفری

قیام اول شخص های تاریخ

ماجرایی اتفاق افتاده و دوستی که آن ماجرا را از پسرخاله اش شنیده برای ما تعریف می کند... ما از ماجرایی که دوستمان تعریف کرده خوشمان می آید و می خواهیم آن را جایی تعریف کنیم اما اگر بخواهیم اسم دوست و پسر خاله اش را هم به عنوان راوی بیاوریم دیگر چیزی از آن اتفاق جالب نمی ماند... از طرفی هم معذبیم که با گذاشتن خودمان در اول شخص ماجرا دروغ گفته باشیم... مدت هاست که وقتی آن ماجراهایی را هم که برای خودم اتفاق افتاده تعریف می کنم معذب می شوم ... به خاطر دروغ هایی که داده ام همه ی اول شخص های تاریخ بر علیه من قیام کرده اند.

بودن یا نبودن

دو جور سرمایه گذاری فرهنگی داریم... در شکل اول قرار است که فیلمی خوب تولید شود... در شکل دوم اما قرار است که ضمن تولید فیلمی خوب شخص مورد نظر سرمایه گذار و یا خود سرمایه گذار هم بازی کند که در واقع خوب بودن آن اثر در مرحله ی دوم اهمیت قرار می گیرد... این موضوع البته فقط شامل فیلم نمی شود و همه ی جشنواره ها و همایش ها و سالگردهای ادبی و... را هم در بر می گیرد... سرمایه گذار شکل اول که چیزی شبیه به رویا می ماند و سرمایه گذار شکل دوم هم مشکلات خاص خودش را دارد... اگر شما فقط مخاطب اثر باشید قطعا بودن فیلم و همایش و سالگرد را بر نبودن آن ترجیح می دهید... هم فرصتی است برای دیدار دوستان و هم می توانید خودتان را دلداری دهید که اگر هنرمند نشده اید چیز زیادی را از دست نداده اید. اما برای کسی که خودش هنرمند است پرسه زدن میان این بی عدالتی درد آور است به خصوص وقتی که می بیند دارد آبروی هنر می رود و هیچ شور و خلاقیتی از این هنری که دارد نشان داده می شود بر نمی خیزد... با همه ی این موارد من باز بودن را ترجیح می دهم اما مساله ی نبودن را هم انکار نمی کنم... حتی پیشنهاد می کنم که به هنگام تست زدن صدای میکروفون به جای گفتن یک دوسه چهار آزمایش می کنیم بگویند بودن یا نبودن مساله اینست.

سرگذشت و رویا پردازی

عوام خط سیرشان در ارتباط مستقیم با سرگذشتشان است و برای خواص این موضوع آزار دهنده است که صبر کنند تا این سرگذشت عبرت آموز به سراغ تک تک این حضرات بیاید پس برای تسکین خود رو می آورند به رویا پردازی و البته چاره ی دیگری هم نیست... بدترین قسمت عالم همین است که هر روز با چهره ی کریه خود مواجه بشوی و نتوانی در عرض ده دقیقه با آب و صابون خودت را تمیز کنی..... عبدو در یکی از خاطراتش تعریف می کرد که موتورش را روشن می کند و در عرض ده ثانیه و با عوض کردن هر دنده خودش را در شهر جدیدی می بیند بالاخره صدایی از موتور هوندای ژاپنی اش بلند می شود که ناله کنان می گوید عبدووو مونوم انجین سوختوووووممم سوختوووووووممم.

قسمت های تراژیک یک خاطره

شاهرخ دولکو در گزارشی که از پشت صحنه ی فیلم «به خاطر هانیه» در مجله فیلم نوشته بود به یک بازیگر بوشهری اشاره کرده است که قرار بوده در نمایی لانگ شات تصویری از او نشان بدهند که بر روی تکه چوبی در آب سرگردان است... ظاهرا بازیگر مورد نظر غیبش زده بوده و وقتی پیدایش می کنند می بینند که زیر درختی نشسته و در حالی که کتابی در دست دارد آخرین متدهای بازیگری استانسیلاوسکی را مرور می کند.... تا مدت ها همین خاطره شده بود مستمسکی برای خندیدن ما، ولی امروز که یکبار دیگر به این خاطره رجوع کردم متوجه قسمت های تراژیک ماجرا شدم... اینکه بعد از عمری شوق بازیگری، به تو این فرصت را می دهند که به اندازه ی یک لحظه ی خیلی کوچک خودت را نشان بدهی و تو باید همه ی متدها و همه ی غریزه ات را به کار گیری تا این یک لحظه در آب های ساحلی بوشهر غرق نشود... حتی خود شاهرخ دولکو هم این امکان را نیافت که بتواند فیلم سینمایی خود را بسازد... شاید بهتر بود به جای مسخره کردن دوست بوشهری ما وقتش را صرف پیدا کردن یک سرمایه گذار بکند.

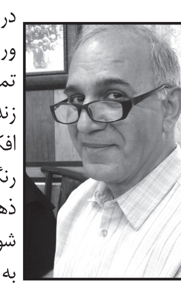
محو شدن سایه ی ترسناک

در همه ی خانواده ها کسی بود که کمی چهره ی ترسناکی داشت و وقتی بچه ها شیطنت می کردند به آنها می گفتند کاری نکن که زنگ بزنم به دایی منصور و بچه ها از ترس مواجه شدن با دایی منصور، حاضر بودند دست از شیطنت شان بکشند. اما به تدریج و با آمدن نسل های تازه تر، سایه ی ترسناک دایی منصورها فرو ریخت... خواهرم معلم زبانسراست و چیزهایی که از دانش آموزان کم سن و سالش تعریف می کند نشان می دهد که ساحت اسطوره به کل منفجر شده است.

نسیم جنوب
۷
ورزشی
شماره ۶۴۵ - یک شنبه ۲۰آذر ماه ۱۳۹۰
NASIM JANOUB

معیارهای پخش آگهی درمسابقات ورزشی؟!

نادر اقدام



در اکثر استادیوم های بزرگ ورزشی دنیا صندلی های جایگاه تماشاچیان به رنگ های شاد و زنده است. رنگ ها بر احساسات و افکار ما اثرات انکارناپذیری دارند. رنگ قرمز برای تحریک بدن، ذهن و افزایش تمرکز استفاده می شود و رنگ آبی احساس آرامش به شما داده و کارایی فرد را بالا می برد.

معمولاً چند شعار به عنوان کار فرهنگی از جمله شعار ضد نژادپرستی (No Racism) به خصوص در استادیوم های انگلیس به چشم می خورد. تصویربرداران تلویزیونی اکثرا از پوشش تصاویر غیر ورزشی و غیر اخلاقی به منظور جلوگیری از رواج چنین فرهنگی خودداری می کنند. پخش تصاویر ورزشی مسابقات لیگ های خارجی از شبکه ۳ سیما با چند ثانیه تاخیر شاید به همین منظور باشد.

در مسابقات لیگ برتر در استادیوم آزادی به خصوص مسابقاتی که یک پای آن تیم های فوتبال استقلال یا پیروزی باشد بیش از چهار یا پنج ردیف تابلوهای تبلیغاتی ثابت و متحرک در استادیوم مستقر است. جابجایی تصاویر و نوشته های این تابلوهای رنگارنگ چنان سریع و مسلسل وار و بی نظم است که کمتر بیننده ای قادر به خواندن پیام ها می باشد و تمرکز تماشاچیان را به خصوص کسانی که بازی ها را از طریق تلویزیون در منزل دنبال می کنند به هم می زند. اینگونه تبلیغات سردرگم، ضمن اینکه لذت دیدن بازی را از شما می گیرند قصد دارند که شما را به این باور برسانند که فقط به آن ها توجه کنید.

در حالی که تبلیغ هیچ کالایی یا خدمات نباید موجب آزار فیزیکی، ذهنی یا اخلاقی شخص بیننده یا شنونده شود؛ و هیچ تبلیغی نباید احساسات عمومی را جریحه دار کند یا اساطیر افسانه ای به خصوص اساطیری که مورد احترام مردم هستند را مورد بی احترامی قرار دهد. اما تبلیغ یک نوع برنج با نشان دادن قیافه مضحکی از یک اسطوره، موجب رنجش مردم ایران شده است. وقتی اطلاعات یک کالا از تلویزیون به تصویر کشیده می شود متن نوشته شده بایستی واضح و با مکث همراه باشد که اکثر تماشاگران قادر به دیدن یا خواندن تصویر یا متن باشند.

هر هفته مردم از طریق شبکه سه سیما بازی های فوتبال را در استادیوم های بزرگ دنیا از جمله نیوکمپ، اولدترافورد، استمفوردبریج و ... مشاهده می کنند و لیکن هیچ بیننده ی تلویزیونی و تماشاگران حاضر در استادیوم، از دیدن تصاویر تبلیغاتی آزرده نمی شوند.

تابلوهای تبلیغاتی در این استادیوم ها معمولا بیش از یک ردیف نمی باشند و تصاویر و متون با مکث و به آرامی و بدون جابجایی سریع تعویض می گردند و اکثرا عبارات و تصاویر از سه رنگ آبی ، سفید و قرمزاست.

نشان دادن تصاویر موتورسیکلت سواران به صورت تک چرخ یا به صورت جمعی بعد از اتمام بازی های فوتبال به خصوص از سیمای بوشهر در حالی که استان بوشهر رکوردار تصادفات موتورسیکلت در ایران است و هر ساله شاهدیم که بیش از هزار نفر از هم استانی ها قربانی تصادفات در این زمینه هستند، غیر قابل توجیه است. تبلیغ موتورسیکلت های غیر ایمن، ارزان، غیر استاندارد و بی کیفیت از شبکه های صدا و سیما می تواند نوجوانان را به خرید یا خواستن کالا از والدین تحت هر شرایطی ترغیب کند. این گونه تصاویر و تبلیغات می تواند به نوعی محرک هیجانات با رفتارهای تهاجمی و پرخاشگرانه ی غیر قابل کنترل باشد که مسئول آن می تواند صدا و سیما باشد.

در کتاب FIFA (مقررات ایمنی استادیوم های فوتبال) بر اساس ماده ۲۶ (پیشگیری از اقدامات تهاجمی و تحریک آمیز) بند a (اقدامات سیاسی) اعلام شده است آگهی یا تبلیغات سیاسی یا پیام های مذهبی یا هر اقدام سیاسی و مذهبی دیگر درون یا نزدیک استادیوم به هر صورت قبل، در حین یا بعد از مسابقه فوتبال شدیدا ممنوع است و این قوانین از یکم ژانویه ۲۰۰۹ بایستی به اجرا درآیند.

نونهالان شاهین صدرنشین نونهالان کشور

شاهین بوشهر ۳ – ۱ سپاهان یاسوج

به گزارش سایت رسمی باشگاه فرهنگی ورزشی شاهین بوشهر ، تیم نونهالان شاهین در رده سنی ۱۴ سال به دومین پیروزی پی درپی خود از سری مسابقات قهرمانی کشور تحت عنوان جام آزادگان دست یافت .در این بازی که مقابل تیم سختکوش و جنگنده سپاهان یاسوج بدست آمد ،شاهینی ها ابتدا در دقیقه ۶۰ و از روی نقطه پنالتی با یک گل از حریف خود عقب افتادند اما عدم از دست دادن روحیه و توصیه های کادرفنی شاهین باعث شد که آنها بر بازی مسلط گردند و در دقایق ۶۳ ،۷۰ و ۷۹ با سه گل محمدصادق غریبی از یک ضربه زیبایی ایستگاهی و حسین خروجی و همچنین حسن فریور دروازه میهمان خود را باز کنند و پیروز مطلق میدان گردند.در تیم شاهین علیرضا سیاهوشی دروازه بان آنان روز خیلی خوبی داشت و چهره برتر زمین بود.

ادعای عجیب مربی شاهین:

بازیکنان در باد پیروزی بازی قبل بودند!

کامیاب مربی شاهین پس از باخت تیمش مقابل سایپا ادعای عجیبی را مطرح کرد. فیروز کریمی که در کنفرانس پیش از بازی نیز حاضر نشده بود در کنفرانس پس از دیدار بازی با سایپا حاضر نشد تا پاسخگوی سؤالات خبرنگاران باشد.

در غیاب کریمی، علی اصغر کامیاب مربی شاهین در نشست خبری درباره شکست سنگین ۳ بر صفر برابر سایپا، عنوان کرد: بازیکنان شاهین در این دیدار انگیزه لازم را نداشتند.

شاهینی‌ها در باد برد بازی قبل بودند و جا دارد به تمام مسئولان و کادر فنی سایپا برای این پیروزی تبریک بگوییم.

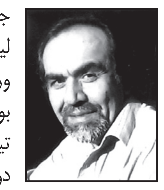
وی با اعتراض نسبت به سازمان لیگ خاطرنشان کرد: ما در ۱۰ روز ۳ بازی انجام دادیم. فاصله بوشهر نسبت به شهرها زیاد است و این خستگی باعث شده است که نتوانیم بازی خود را به خوبی انجام دهیم.

نکته جالب آنجاست که شاهین دوبازی قبلی خود را با یک شکست مقابل استقلال و مساوی خانگی با سپاهان پشت سرگذاشته ومشخص نیست مربی شاهین بر اساس کدام سابقه این ادعای عجیب را مطرح کرده است!

نگاهی به نتایج ضعیف شاهین و باخت به سایپا

باران مشکلات بر بال های شاهین

اسماعیل بهبهانی



جمعه گذشته و در چهارچوب هفته شانزدهم لیگ برتر فوتبال ایران، شاهین بوشهر در ورزشگاه انقلاب کرج میهمان سایپای البرز بود و در حالیکه هواداران امیدوار بودند تا تیم محبوبشان با کسب سه امتیاز این بازی دو سه پله ای خود را در جدول بالا بکشد، شاهین باخت حقارت آمیز سه بر صفر را پذیرا شد.

در چند هفته اخیر نتایج شاهین در لیگ برتر با نوسانات زیادی همراه بوده و سیر نزولی داشته است. برد مقابل مس کرمان در بوشهر – شکست در برابر استقلال تهران – تساوی خانگی با سپاهان اصفهان و باخت سنگین در برابر سایپای کرج از ضعفی بزرگ در شاهین حکایت دارد. اگر بخواهیم فقط ضعف شاهین و علت تحلیل رفتن توان این باشگاه مردمی را در تیم داخل زمین و یا بر روی نیمکت دنبال کنیم به خطا رفته ایم زیرا شاهین در درون دروازه یکی از آماده ترین دروازه بان های لیگ یعنی «وحید طالب لو» را دارد که با نمایش شایستگی های خود، کادر فنی تیم ملی را برای دعوت نکردن از او به زیر سوال برده است.

خط دفاعی این تیم نیز یکی از منسجم ترین خطوط دفاعی چند سال اخیر است که تا قبل از بازی با سایپا با کم ترین گل خورده مستحکم ترین دفاع این فصل فوتبال ایران است. هافبک های شاهین نیز در بازی سازی، تسلط بر توپ و میدان و ایجاد موقعیت برای مهاجمان موفق نشان داده اند.

در خط حمله هم هر چند کمبود یک مهاجم تمام کننده و گلزن تمام عیار به چشم می آید و کادر فنی به دنبال جذب مهاجمی ششدانگ برای تقویت خط آتش شاهین هستند، اما حضور «منصور تنهایی» با شش گل زده در جدول گلزنان لیگ و پاس های گل «عباس پور خسروانی» نشان از موفقیت نسبی فورواردهای این تیم دارد.

از طرفی حضور چند بازیکن جوان و جویای نام در کنار بازیکنان باتجربه بر روی نیمکت، دست مربیان را در تعویض ها باز گذاشته است و یاران ذخیره نشان داده اند که هر وقت به آنها میدان داده شده، با تمام وجود در خدمت تیم هستند.

پس مشکل شاهین در ناکامی های اخیر و سقوط چندین پله ای از جایگاه ششم به رتبه یازدهم جدول از کجاست؟ و چه علتی دارد؟



اگر با دقت به شرایط حاکم بر شاهین در هفته های اخیر بنگریم، در می یابیم که اغلب بازیکنان شاهین با بدقولی های مدیران در پرداخت دستمزدهایشان (حتی مانده از فصل قبل) با مشکلات روحی زیادی مواجه شده اند تا جایی که فیروز کریمی که تجربه سال ها حضور در فوتبال را دارد، بارها به این قضیه اعتراض کرده و حتی مسئولین شاهین را تهدید به کناره گیری کرده است. کریمی به خوبی می داند که مشکلات فنی و بدنی بازیکنان را می توان با چند جلسه تمرین بیشتر برطرف کرد اما گرفتاری های روحی بازیکن به این سادگی قابل حل نیست و اگر بازیکنی با افت روحیه مواجه شود، به سختی می توان او را به شرایط مطلوب باز گرداند.

پس از فسخ قرارداد شاهین با بانک صادرات، «افراشته»، رییس هیئت مدیره شاهین با جایگزین کردن پست بانک ایران، دست مدیر پست بانک را در دست علی دادگر مدیرعامل شاهین قرار داد. اما متأسفانه دادگر تاکنون نتوانسته کار مثبتی انجام دهد. در قضیه اعترض و اعتصاب بازیکنان هم آن چیزی که معترضان را به تیم بازگرداند، قدرت و توان مدیریتی علی دادگر نبود بلکه ترس از سازمان لیگ و واهمه آنان از منشوری شدن و محرومیت بود که بازیکنان را وادار کرد به تمرینات برگردند.

علی دادگر در این مدتی که به عنوان مدیرعامل شاهین به کار مشغول است، نتوانسته است اعتماد بازیکنان را جلب نماید و یا با ایجاد انگیزه بازیکنان بی روحیه را به تلاشی مضاعف وادارد. بعضی معتقدند که دست دادگر خالی است و با توجه به غیربومی بودنش یارای جذب سرمایه های محلی را نداشته است. اما باید دانست که با دست خالی مدیریت کردن هنر است وگرنه وقتی حساب ها پر باشد و مشکل مالی وجود نداشته باشد «چوب سفید» هم مدیر قابلی است. به هر روی به نظر می رسد مسایل و گرفتاریهای پیش روی شاهین ناشی از اشتباه هیئت مدیره در انتخاب مدیرعامل و جفای هیئت موسس به هواداران در تأیید این انتخاب باشد.

زمزمه هایی از تلاش قلعه نوعی برای جذب طالب لو به تراکتورسازی تبریز و تمایل بعضی از باشگاه های لیگ برتری برای جذب بازیکنان ناراضی شاهین به گوش می رسد که دل هر هوادار دلسوزی را خالی می کند. امید است تا دیر نشده هیئت مدیره شاهین با جبران اشتباه بزگر در انتخاب مدیرعاملی ضعیف، مشکلات را حل و فصل و این تیم محبوب و مردمی را به اقتداری که شایسته است، رهنمون سازند.

شرایط بد مالی شاهین به حد انفجار رسیده



شاهین در آستانه انفجار

کاپیتان تیم فوتبال شاهین بوشهر گفت: با شرایط خیلی بد و اضطراری که تیم ما دارد نه تنها من بلکه همه بازیکنان در نیم فصل از این تیم جدا می شوند. به گزارش پانا وحید طالب لو درباره مشکلات مالی این تیم، پیشنهادات رسیده از تیم های دیگر و شایعه جدایی خود از بوشهر به سوالات پاسخ داد:

اگر مشکلات جانبی نباشد...

باید به بالاتر از این فکر کنیم. با یک برد و باخت خیلی جاها تغییر می کند و تیم ها بالاوپائین می شوند. اگر مشکلات جانبی نباشد، تیم ما توانایی نامحدود و بالایی دارد. با مربیگری فیروز کریمی فوتبال به روز و مدرنی روی زمین مقابل سپاهان انجام دادیم.

امروز و فرداست که اتفاقات خیلی عجیبی برای تیم رخ دهد

با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می کنیم. اگر تا الان توانستیم خوب نتیجه بگیریم فقط به خاطر توانایی کادر فنی و غیرت مضاعف بچه ها بوده است. وضعیت و شرایط بد مالی ما به حد انفجار رسیده است. همین امروز و فرداست که اتفاقات خیلی عجیبی برای تیم رخ دهد. به مسئولان تیم هشدار می دهم که مشکلات را سریع حل کنند. هنوز دیر نشده و می توانند جلوی خیلی از چیزها را بگیرند گرچه باید خیلی زودتر به این فکر می افتادند. با این وضع تا نیم فصل فکر نمی کنم دیگری شاهینی وجود داشته باشد. در این قضایا فقط بازیکنان، کادر فنی و مردم بوشهر متضرر می شوند.

از امکانات اولیه در شاهین محروم هستیم

ممکن است با ادامه این شرایط فیروز کریمی تهدید خود را عملی کند و از شاهین برود؟ اگر این طور باشد اصلا شک نکنید که این اتفاق می افتد و کریمی می رود چون قول ها عملی نشده. نه تنها کریمی بلکه بازیکنان هم ممکن است دیگر سر تمرین نروند. بچه ها تا به حال از جان مایه گذاشتند و دیگر از اختیارات ما خارج است. از امکانات اولیه در این تیم محروم هستیم . کار تیم ما از دلداری دیگر گذشته و فقط به عمل کردن نیاز است. اگر این طور باشد فکر می کنم در نیم فصل دوم شاهین باید با امیدهای خود در لیگ برتر شرکت کند که این اصلا نمی تواند برای این تیم خوب باشد.

تعهد من نسبت به مردم بوشهر قلبی است

من از انتخابم راضی ام. اگر ناراضی باشم، نمی مانم. تعهد من نسبت به مردم بوشهر فقط نوشتاری نیست و قلبی است. فعلا از شرایط فنی تیم راضی ام. سابقه نداشته شاهین تا این مرحله جام حذفی بالا بیاید و در لیگ ششم باشد و کمترین گل خورده را ثبت کند. تمام مشکلاتی که داریم ولی خوب نتیجه گرفتیم. اگر مشکلات مالی نبود خیلی بهتر می توانستیم نتیجه بگیریم.

با این شرایط مجبورم جدا شوم

من بازیکن شاهینم و تا این لحظه با تمام دل و جانم برای این تیم بازی کردم. اگر این شرایط بماند نمی توانم ادامه دهم و مجبورم جدا شوم. فعلا با تمام تمرکز و توانم در خدمت شاهین هستم و تا روزی که باشم، با تمام وجودم بازی می کنم. مردم بوشهر شاهدند که من و همه بازیکنان ذره ای برای شاهین کم نگذاشتیم. نه تنها من بلکه همه بازیکنان با این وضع در نیم فصل از شاهین می روند. شرایط و مشکلات طوری است که همه بازیکنان با حرف من موافقند و متفق القول هستند. من به عنوان نماینده بازیکنان چند بار با مسئولان حرف زد. مردم به عنوان کاپیتان از من انتظار دارند. در این شرایط انتظارات طرفداران هم از بازیکنان و تیم خیلی بالا رفته ولی با این مشکلات پیش آمده نمی توان انتظارات را برآورده کرد. ممکن است با ادامه این روند بازیکنان و مردم خدای نکرده مقابل هم قرار بگیرند.



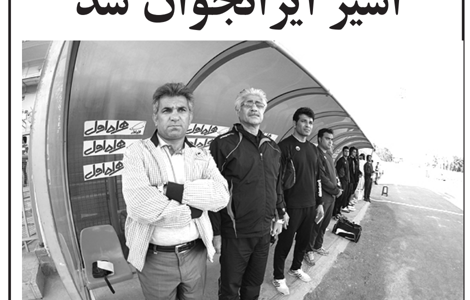
۳۰۰ میلیون پاداش حفظ شاهین در لیگ برتر

«مسئولان شاهین به من قول دادند که اگر این تیم را در لیگ برتر حفظ کنم ۳۰۰ میلیون تومان به من پرداخت کنند که از این مبلغ تنها ۱۵ میلیون را دریافت کردم.»

این سخنان میثاقیان است که فصل گذشته توانست شاهین را در لیگ برتر نگه دارد. این مربی که فصل گذشته در اواخر لیگ هدایت نماینده بوشهر را بر عهده گرفت و با کسب ۸امتیاز در ۶بازی توانست شاهین را در لیگ نگه دارد گفت: مسئولان شاهین بوشهر سال گذشته به من قول دادند که اگر این تیم را در لیگ برتر نگه دارم ۳۰۰ میلیون تومان به من می دهند. هنگامی که من به بوشهر رفتم این تیم در انتهای جدول قرار داشت و خطر سقوط به لیگ یک این تیم را تهدید می کرد و فرصت چندانی هم برای جمع آوری امتیاز ها در انتهای فصل را نداشتیم که از انتهای جدول رده بندی فاصله بگیریم. مسئولان شاهین به من قول دادند که اگر این تیم را در لیگ برتر حفظ کنم ۳۰۰ میلیون تومان به من پرداخت کنند که از این مبلغ تنها ۱۵ میلیون را دریافت کردم و بقیه این پول به صورت چک بلا محل به من پرداخت شد . این دست رنج زحمتی بود که طی شش بازی توانستم این تیم را در لیگ برتر فوتبال ایران حفظ کنم.

وی تصریح کرد: با توجه به فرصت کوتاهی که داشتم به عشق مردم بوشهر که الحق و الانصاف تاکنون مانند آنها را برای حمایت تیم های فوتبال ایران ندیده ام این کار را انجام دادم اما برای دریافت مطالباتم از شاهین بوشهر حتی کسی پاسخگوی تلفن های من نیست و اعتقاد دارم که مربیگری در این باشگاه زمان کوتاهی دارد زیرا من هم که ابتدا به این تیم ملحق شدم همه من را تشویق می کردند اما هم اکنون کسی به یاد من نیست که این تیم را در لیگ برتر حفظ کردم . پس به ناچار دست به دامن کمیته انضباطی شدم وقرار است ۲۸آذر به شکایت من رسیدگی شود.

صدر نشین بدون شکست، اسیر ایرانجوان شد



صدر نشین بدون شکست لیگ ۱ در بوشهر اسیر ایرانجوان شد. تیم ایرانجوان بوشهر در خانه توانست تیم پیکان صدرنشین را با تمام ستارگانش با تک گل ابراهیم صالحی در دقیقه ۴۴ شکست دهد و به رکورد شکست ناپذیری پیکان خاتمه دهد. بازیکنان خرمزی یک بازی کاملا حساب شده را به نمایش گذاشتند و نشان دادند که به یک بلوغ تاکتیکی خوب رسیده‌اند. در این دیدار تماشاگران که حدود ۲۰۰۰ نفر بودند بخوبی تیم ایرانجوان بوشهر را تشویق کردند و بازیکنان جوان ایرانجوان با قدرت بیشتری با پیکان جنگیدند.

عبدالرحیم خرمزی سرمربی ایرانجوان بعد از این بازی گفت: بازی سختی را بردیم. پیکان با آن همه ستاره و امکانات کجا و تیم بی بضاعت ما از لحاظ مالی کجا! فرهاد کاظمی یکی از بهترین مربیان فوتبال ماست و یقین بدانید پیکان مدعی اول صعود از گروه ماست.

خرمزی ادامه داد: مشکلات مالی قصه تکراری فوتبال بوشهر شده! استان زرخیزی مثل بوشهر با این همه منابع چرا باید لنگ مسائل مالی باشد؟! چه تفاوتی بین ما و دیگر استان هاست؟ سرمایه گذاری درورزش ضرر ندارد. دلم نمی خواهد همیشه از مسائل مالی صحبت کنم دوست دارم پیرامون مباحث فنی بازی هم حرفی به میان آید اما ...

خرمزی افزود: با وام گرفتن نمی شود باشگاه داری کرد. هیئت مدیره ما تنهاست مسئولین ما و دیگر تیم های استان را دریابد. سرمربی ایرانجوان تصریح کرد: از هواداران ایرانجوان که در بازی مقابل پیکان ۹۰ دقیقه ما را حمایت کردند تشکر و می کنم. برای شادی این مردم هرکاری انجام دهم کم است. امیدوارم در روزهای آتی مشکلات مالی حل شود تا خللی در روند نتیجه گیری ما پیش نیاید وگرنه باز هم سریال ناکامی های گذشته تکرار خواهد شد!

علی دادگر : بازیکنان خواهان جدایی شدند

علی دادگر گفت: هیچ اظهارنظری در مورد وضعیت شاهین بوشهر نکردم و به عنوان مدیر عامل تلاش می کنم هر کاری در توانم است برای موفقیت شاهین بوشهر انجام دهم.(پیش از این مصاحبه ای گلایه آمیز از وی در رسانه ها منتشر شده بود).

وی ادامه داد: باشگاه شاهین بوشهر هم مثل بسیاری از باشگاه های لیگ برتر مشکل مالی دارد و من مشکلات تیم را کتمان نمی کنم ولی برخی اظهارات که اخیراً از قول من چاپ کرده اند کذب محض است.

علی دادگر افزود: مذاکراتی را با شرکت ها و کارخانه های مرتبط به استان انجام دادیم و منتظر کمک تمام مسئولان این تیم مردمی هستیم از طرفی در صورت دریافت بخشی از پول تبلیغات در هفته آینده یکی از مشکلاتمان برطرف می شود البته این پول زیاد نیست ولی حداقل کمک می کند بازیکنان را راضی کنیم.

وی در پایان درخواست برخی بازیکنان برای جدایی از شاهین بوشهر اشاره کرد و گفت: بازیکنان خواهان جدایی شدند ولی ما با هیچ کدام از این درخواستها موافقت نکرده ایم چون از نظر من شرایط عادی است و بزودی پول بازیکنان را هم می دهیم./ باشگاه خبرنگاران

آقای استاندار، شما مسئول انحلال شاهین هستید

سعید عباسی: این روزها خبرهای ناخوشی از وضعیت شاهین بوشهر به گوش می رسد. تیمی که با هزار امید و آرزو به لیگ برتر کشور صعود کرد و توانست صدها هزار بوشهری را به سوی ورزش جلب نماید، این روزها بدلیل مشکلات مالی دارد از هم می پاشد.



مشکلات مالی شاهین در حالی بوجود امده است که ۵ میلیارد تومان اختصاص یافته به این تیم از سوی وزارت نفت پرداخت نمیشود. مردم بوشهر امیدوار هستند که با پرداخت این اعتبار، مشکلات مالی شاهین حل شده و این تیم بدون دغدغه مالی بتواند مسابقات را ادامه دهد. اما در این میان وظیفه استاندار بوشهر است که بجای پرداختن به مسایل حاشیه ای به فکر بزرگترین مشکل ورزش بوشهر یعنی تامین اعتبار برای شاهین بوشهر باشد. در جلسه هیئت دولت در بوشهر مصوب شد که معاونت راهبردی رئیس جمهوری با همکاری وزارت نفت و استانداری بوشهر ساز و کار حمایت از ورزش استان با اولویت فوتبال را مشخص کنند که بعد از چندی این تفاهم نامه مشخص شد و مبلغ ۵ میلیارد تومان برای کمک به ورزش استان تصویب شد و به وزارت نفت ابلاغ شد.

همانگونه که افراشته استاندار اسبق بوشهر در زمان استانداری خود، پیگیری های فراوانی را به همراه امام جمعه بوشهر برای رفع مشکلات مالی پرطرفدارترین تیم استان بوشهر نمودند، جهانبخش استاندار کنونی بوشهر هم باید سعی نماید تا اعتبار ۵ میلیارد تومان تخصیص یافته به شاهین بوشهر را جذب کند و از فروپاشی و انحلال آن جلوگیری کند.

هرگونه سهل انگاری در جذب این ۵ میلیارد تومان که منجر به انحلال شاهین می شود بر عهده استاندار بوده و وی باید عواقب این کار را بپذیرد.

دادگر: مسوولان بوشهر تیم فوتبال شاهین را تنها گذاشته اند



مدیرعامل باشگاه فرهنگی ورزشی شاهین بوشهر گفت: این تیم با وجود تماشاگران زیاد در بوشهر که آرزوی هرتیمی درلیگ برتر است اما از نظر حمایت مالی مسوولان، تنهاست.

علی دادگر در گفت وگو با ایرنا اظهارداشت: با وجود رایزنی های زیاد با مسوولان استان بوشهر برای حمایت از تیم ریشه دار شاهین و دارای شخصیت در فوتبال کشور تاکنون اقدام خاصی در حمایت از این تیم از مسوولان این استان شاهد نبوده ایم .

وی افزود: هرچند تیم فوتبال شاهین نسبت به سایر تیم های حاضر در لیگ برتر پرداخت های مناسب تری داشته است اما بحرام مالی که گریبانگیر این باشگاه است می تواند منجر به فروپاشی این تیم در نیم فصل دوم لیگ برتر امسال شود.

دادگر با بیان اینکه قوانین جدید سبب ایجاد مشکلات مالی برای اکثر تیم های فوتبال درلیگ برتر شده است اضافه کرد: در کنار مطالبات معوقه سال قبل باشگاه شاهین به بازیکنان این تیم، بخش عمده ای از قراردادهای امسال نیز پرداخت نشده است که مشکلات گسترده ای برای تیم از جمله درخواست جدایی چند بازیکن کلیدی تیم را در پی داشته است.

مدیرعامل باشگاه شاهین بوشهر گفت: هرچند که پرداخت های امسال تیم ما نسبت به سایر تیم ها دارای شرایط بهتری است و تا تیم فصل نیز بخش از این مطالبات پرداخت می شود اما نیازمند توجه مدیران استان و دیگر بخش های اقتصادی بوشهر برای حمایت ازاین تیم پرتماشاگر هستیم .

دادگر، با قدردانی از صبر و حوصله بازیکنان و کادر فنی تیم شاهین در مورد تعویق پرداخت هایشان افزود: این مجموعه با تمام وجود در زمین فارغ ازمشکلات موجود به دنبال ارایه فوتبال زیبا و درخور تحسین است که در صورت موفقیت در جام حذفی برای آنها پاداش های مناسبی در نظر گرفته خواهد شد .

بسکتبال دانشگاه خلیج فارس بر بام منطقه ۹

تیم بسکتبال دانشجویان دانشگاه خلیج فارس بوشهر قهرمان مسابقات بسکتبال دانشجویان پسر دانشگاه های دولتی در منطقه ۹ گردید. در این رقابت ها که با حضور تیم های بسکتبال دانشجویان دانشگاه های خلیج فارس بوشهر، شهید چمران اهواز، جندی شاپور دزفول، خاتم الانبیا بهبهان و دانشگاه شیراز به مدت سه روز به صورت دوره ای در سالن ورزشی دانشگاه خلیج فارس بوشهر برگزار گردید، دانشجویان بوشهری با برتری کامل حریفان خود را شکست داده و جام قهرمانی را بالای سر بردند. بوشهری ها در روز پایانی این مسابقات در دیداری که در حکم بازی نهایی بود نیز خوش درخشیده و با نتیجه۸۷-۶۸ بر دانشگاه شیراز پیروز شدند. در این دوره از رقابت ها، با تصمیم کمیته برگزارکننده مسابقات، جایزه اخلاق به تیم دزفول تعلق گرفت و حسن سبحانی بازیکن تیم خلیج فارس بوشهر نیز به عنوان بهترین بازیکن مسابقات برگزیده شد.

اعضای تیم بسکتبال دانشجویان دانشگاه خلیج فارس بوشهر: بهزاد بختیاری (سرمربی)، شهرام اکبرزاده(سرپرست)، حمید بردیده(کارشناس تربیت بدنی دانشگاه)،اشکان توکلی، بابک فائدی، بابک حمیدی زاده، یاسین موحد، نوید عطار، محمد حاتمی، علی موجی،امید مهدی، رضا تلیان،حسن سبحانی، سیاوش صادقی و پیمان آتش پوش



هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی

نسیم جنوب

nasimjonoub.com

• صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
• مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
• مدیر گرافیک : میثم قیصی زاده
• نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه جانبازان
• دفتر هفته نامه نسیم جنوب
• تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
• ایمیل: info@nasimjonoub.com صندوق پستی: ۱۱۹۹
• لیتو گرافی وچاپ : کارگر

پشت دروازه فوتبال

کمر خمیده شاهین زیر بار مشکلات مالی

مشکلات مالی باشگاه شاهین بوشهر به قصه دنباله داری تبدیل شده ومشخص نیست چه زمانی به فصل پایانی خود می رسد. در این میان اعتراض بازیکنان هم به اوج رسیده و همگی انتظار نیم فصل را می کشند تا چنانچه وعده پرداخت مطالبات محقق نشد به سایر تیم ها بپیوندند. دادگر مدیر عامل شاهین این روزها به دنبال تامین منابع مالی است و تنها امیدواری آنها به دریافت حدود ۳۰۰ میلیون تومانی است که قرار است بابت تبلیغات وبلیط فروشی نیم فصل به بوشهری ها از سوی سازمان لیگ داده شود. مبلغی که هیچ گرهی از کار شاهینی ها باز نخواهد کرد.آنها برای حل مشکل خود به ۴میلیارد نیاز دارند.

پیمبری جانشین مظلومی؟

قرارداد ۱۵۰ میلیون تومانی غلامحسین مظلومی به عنوان سرپرست مورد اعتراض مدیران شاهین بوشهر قرار گرفته وآنها معتقدند ابوالفتحی در دوران حضورش در باشگاه چنین قراردادی را منعقد نموده در حالی که سرپرست فصل قبل (اصغر کامیاب) با ۵۰ میلیون تومان قرار داد بسته بود. شنیده می شود در نیم فصل پیمبری سرپرست سابق پاس که رابطه نزدیکی با فیروز کریمی دارد جانشین مظلومی می شود. بوشهری ها با قبول این خواسته که از سوی کریمی مطرح شده درصدد جلب رضایت سرمربی شان هستند تا باردیگر غزل جدایی سر ندهد.

آبادانی ها تنهایی و نظرزاده را نشانه گرفتند

تیم نفت آبادان برای تقویت در نیم فصل دوم بازی ها چشم به دو بازیکن شاهین دارد. مسعود نظرزاده مدافع راست شاهین و منصور تنهایی مهاجم این تیم نفراتی هستند که زردپوشان خوزستانی مدنظر قرار داده اند . قرار است نامه درخواست انتقال آنها در آغاز فصل نقل وانتقالات نیم فصل به باشگاه شاهین ارسال شود.

اختلاف در هیئت موسس!

اختلاف نظردر هیئت موسس شاهین باعث گردیده تا جلسات این هیئت به حالت تعطیل درآید. برخی مدیران باشگاه تک روی های احمد گزی و خروج عنان کار از دست هیئت موسس و سپردن آن به هیئت مدیره را بهانه قرار داده و عدم قدرت تصمیم گیری را مزید بر علت دانسته ودر جلسات شرکت نمی کنند. این در حالی است که گزی هم اعتقاد دارد باشگاه تاکنون هیئت مدیره نداشت و با اصلاح اجباری اساسنامه که خواسته بازرسین AFC بود روال کار برمبنای قانون تجارت قرار گرفت وهیئت مدیره همه کاره شد. او در این ماجرا نقشی نداشته است. دیگر مشکل آنها بر سر پرداخت های تبعیض آمیز است. آنها گفته اند اگر فصل قبل عمادرضا جذب شد با ۳گل و۴پاس گل در اواخر فصل سبب ماندگاری تیم گردید اما حالا بازیکنی بدون هیچ کارکرد مثبتی ۵۰۰ میلیون گرفته. یا دوفصل قبل جذب رحمان رضایی و یاوری باعث بقایمان در لیگ شد.

هواداران وبازیکنان یاد کنگانی می کنند



بی پولی در شاهین باعث شده تا هواداران وبازیکنان یاد فصل گذشته کنند. بازیکنان معتقدند در دوران کنگانی می شد به پول امیدوار بود اما حالا خبری از پرداخت ها نیست. برخی هواداران هم در سایت های هواداری پیام هایی فرستاده وگفته اند کنگانی تیمش سه میلیارد بدهی داشت و مصوبه ۵میلیاردی هیئت دولت را هم گرفته بود. یعنی دو میلیارد فراتر از بدهی ها. چرا کسی نیست که پیگیر آن مصوبه باشد؟ آنها جدایی از وزارت نفت واتکا به اسپانسر بدون قراردادی چون بانک صادرات را اشتباهی بزرگ می دانند.

احتمال خداحافظی ۹ بازیکن شاهین

مشکلات مالی شاهین باعث شد تا جمعی از بازیکنان این تیم به فکر جدایی باشند. وحید طالب لو از جمله این بازیکنان است. هادی شکوری برخلاف اخبار قرار نیست به استقلال برگردد واز سوی پرسپولیسی ها پیشنهاد خوبی در جیب دارد. پترویچ ، ایران نژاد، تنهایی، نظرزاده، لک چیرا،پورخسروانی وشکوه مقام دیگر جدایی طلبان شاهین هستند که از سوی باشگاههای مختلف پیشنهاداتی دارند.

فیروز با استاندار اتمام حجت می کند

فیروز کریمی تصمیم گرفته برای حل مشکلات مالی تیمش سراغ استاندار بوشهر برود. او که از حل این معضل ازطریق اسپانسر ناامید شده برای اتمام حجت وتصمیم گیری نهایی درخصوص ماندن یا رفتن از این تیم در نیم فصل نشستی را با جهانبخش استاندار بوشهر برگزار می کند.

سایت کانون هواداران تعطیل شد!

سایت رسمی کانون هواداران شاهین بوشهر هم تعطیل شد. این سایت که یکی از پر بیننده ترین سایت های بوشهر به حساب می آمد به دلیل مشکلات مالی ودر اعتراض به عدم همراهی عکاس آن با تیم در سفرهای برون استانی تعطیل شده است!/ گل

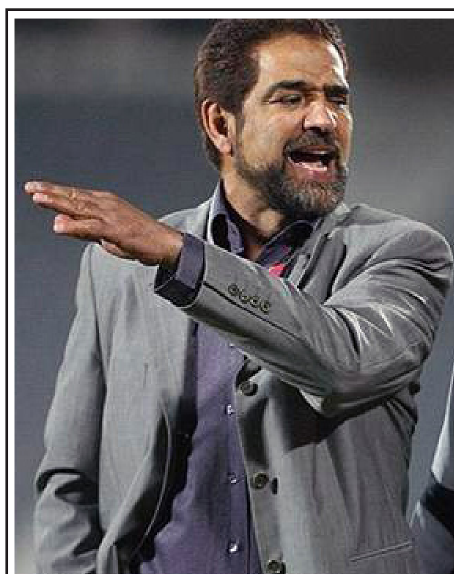
رکورد ضعیف فیروز کریمی در لیگ برتر

۵ امتیاز در ۶ بازی

شکست شاهین مقابل سایپا رکورد فیروز کریمی را تا حد فاجعه رساند! او که از هفته دهم شاهین را تحویل گرفته در ۶ بازی اخیر تیمش فقط ۵ امتیاز به دست آورده که به هیچ وجه نمی توان آن را قابل قبول دانست. تیم کریمی در آبادان با نفت یک بر یک کرد که آن هم در ثانیه های پایانی گل تساوی شاهین رقم خورد. با نفت تهران در تهران نتیجه ای جز شکست دوبر یک کسب نکرد ومس را در خانه برد. شکست مقابل استقلال، تساوی خانگی با سپاهان آن هم در شرایطی که گل اول را سپاهان به ثمر رساند و حالا هم به سایپا باخته تا با ۶ گل زده و۱۰ گل خورده آمار نامطلوبی از خود برجای بگذارد. کریمی دو برد مقابل دو تیم دسته اولی نیروی زمینی و ابومسلم در جام حذفی به دست آورده وهمین بازی ها رکورد او را بهبود بخشیده وگرنه در لیگ برتر عملکرد قابل دفاعی ندارد.

کریمی شاهین را با ۱۴امتیاز، ۱۰ گل زده و۶گل خورده در ۹بازی از درخشان تحویل گرفت./ گل

استعفای بچه گانه فیروز کریمی



در حالیکه شاهین بوشهر بدلیل مشکلات مالی، وضعیت خوبی ندارد و دچار حاشیه های بسیاری شده است، فیروز کریمی در نقش سرمربی این باشگاه بجای اینکه تمرکز خود را بر روی رفع حاشیه ها و نتیجه گرفتن شاهین بگذارد، با استعفای بچه گانه اش، حاشیه ای جدید برای شاهین درست کرد.

سرمربی تیم فوتبال شاهین بعد از بازی با ابومسلم در حام حذفی، با بیان اینکه "اگر شرایط چمن ورزشگاه تختی مشهد را می دانستم با خود یک مشت جو به این ورزشگاه می آوردم" کریمی ضمن اعلام استعفای خود، تاکید کرد: من پس از بازی بلافاصله استعفای خود را به مدیرعامل باشگاه شاهین بوشهر تقدیم کردم و اگر وی نیز قبول نکند ضمن عذرخواهی از مردم خونگرم بوشهر تاکید می کنم که در تیم شاهین نخواهم ماند.

وی در خاتمه در خصوص دلیل استعفایش گفت: استعفای من به دلیل اوضاع نابسامان فوتبال ایران و به ویژه زمین‌های ورزشی آن است. تا شرایط زمین ورزشگاه‌های ایران بدین شکل باشد، فوتبال ما پیشرفت نخواهد کرد و من نمی توانم با آبروی خودم در این فوتبال بازی کرده و شخصیتم را خراب کنم!

بیان این سخنان از سوی فیروز کریمی نوعی سبک گرفتن پست سرمربی گری شاهین بوشهر است که مردمش، عاشقانه هوادارش هستند. اوضاع نابسامان فوتبال کشور و خصوصا زمین های ورزشی آن، موضوع تازه ای نیست که فیروز کریمی بعد از بازی در مشهد متوجه آن شده باشد و آن را برای استعفای بچه گانه اش، مطرح نماید. فیروز کریمی باید بداند که در شرایط وخیم کنونی شاهین باید روی مسایل و مشکلات فنی شاهین تمرکز کند تا با نتیجه ضعیف ۳ بر هیچ مغلوب سایپا نشود.

شاهین بوشهر در آستانه انحلال



به گزارش خبرگزاری فارس، شاهین بوشهر از ابتدای فصل درگیر مشکلات فراوان مدیریتی و مالی بود به طوری که در ۱۶ هفته‌ای که از لیگ برتر می‌گذرد سه مدیرعامل عوض کرده و مدتی هم با سرپرست موقت اداره می‌شد.

اکنون خبر می‌رسد که شاهین بوشهر بدهی میلیاردی دارد و بسیاری از بازیکنان نامدار این تیم مانند وحید طالب‌لو، ایوان پتروویچ، هادی شکوری و... به دلیل آنکه باشگاه به تعهدات مالی‌اش عمل نکرده قصد دارند نیم فصل جدا شوند.

چند بازیکن این تیم در هفته‌های گذشته به دلیل مشکلات مالی و پرداخت نشدن حق و حقوشان دست به اعتصاب زده بودند و فیروز کریمی سرمربی شاهین نیز اعلام کرده در صورتی که مشکلات مالی تا نیم‌فصل حل نشود از این تیم می‌رود.

این در حالی است که حتی در بوشهر شایعه شده به زودی علی دادگر مدیرعامل جدید این باشگاه نیز از سمت خود کناره‌گیری خواهد کرد.

قطعا اگر مسئولان استانی به فکر این باشگاه نباشد امکان دارد شاهین بوشهر در نیم فصل دوم منحل شود. همچنین شنیده‌ها حاکی از آن است که شاهین بوشهر بدهی میلیاردی دارد. با این شرایط برخی اعتقاد دارند که در صورت ادامه این روند شاهین بوشهر منحل خواهد شد.

خبرنگار فارس در این باره با مسئولان شاهین تماس گرفت اما آنها تمایلی به اظهار نظر در این باره نداشتند.

روزهای بد شاهین

شاهین در نیمه اول از هم پاشید

شاهین سنگین ترین شکست خود را مقابل سایپا به دست آورد نتیجه ای که بحران را از تیم سایپا دور کرد. نیمه اول این دیدار آنقدر برای شاگردان فیروز کریمی پراشتباه دنبال شد تا جایی که پای کریم انصاری فرد هم بعد از مدت ها به گل باز شد .

سایپا به رهبری ابراهیم صادقی در همان نیمه اول کار را تمام کرد . این در حالی بود که در صحنه های گل های اول و دوم بازیکنان شاهین به نحوه به ثمر رسیدن گل های سایپا اعتراض داشتند . تیم فیروز همانطور که در مصاحبه های پیش از بازی به ان پرداخته شده بود از لحاظ مالی در بدترین شرایط به سر می برد. نکته ای که اگر حل نشود وضعیت شاهین را از این نیز بدتر خواهد کرد.

اتفاق ویژه: شاهین سنگین ترین شکست فصل خود را پذیرا شد . مشکلات مالی کمر تیم فیروز را شکسته است.

پشت دروازه فوتبال

نغمه جدایی طالب لو



اوضاع مالی نامناسب شاهین بوشهر کار را به جایی رسانده که بازیکنان نغمه جدایی سرداده اند وبر اساس توافقی که با دادگر مدیرعامل باشگاه داشته اند چنانچه تا نیم فصل مطالبات بازیکنان پرداخت نشود می توانند رضایت نامه بگیرند و از شاهین جدا شوند. در این میان بازیکنان این تیم با پیشنهاداتی مواجه شده اند. یکی از این نفرات وحید طالب لو است که براساس آنچه از شواهد وقرائن برمی آید باید او را در نیم فصل در تراکتورسازی تبریز دید. حضور او به درخواست قلعه نوعی برمی گردد که برای اولین بار طالب لو را در درون دروازه استقلال قرار داد.

هافبک شاهین رباط پاره کرد



بدشانسی های شاهین و فیروز کریمی تمامی ندارد. محسن حمیدی مدافع – هافبک سرعتی شاهین که در بازی مقابل سپاهان مصدوم شده بود با مراجعه به دکتر مشخص شد که دچار پارگی از ناحیه رباط صلیبی گردیده است . دقایقی بعد از مراجعه محسن به دکتر با او همکلام شدیم . حمیدی در این باره به فوتبال بوشهر گفت : راستش را بخواهید انگیزه زیادی در روز بازی مقابل سپاهان داشتم و حس می کردم روز خوبی را پشت سر بگذارم اما قسمت و تقدیر این بود که این مصدومیت سراغ من بیاید.

هافبک خوزستانی شاهین ادامه داد : متاسفانه دکتر پارگی رباط صلیبی زانویم را تایید کرد. می خواهم صبر کنم تا ورم پایم بخوابد و انشالله طی دو سه روز آینده به تهران رفته و آنجا مراحل ابتدایی جراحی را پشت سر بگذارم .

محسن حمیدی در این فصل روزهای بسیار خوبی را در ترکیب شاهین از خود به نمایش گذاشت تا جایی که کاندید دعوت به تیم ملی هم بود اما بدشانسی و مصدومیت گریبانگیر بازیکن شاهین شد. امیداوریم هرچه زودتر محسن حمیدی را در مستطیل سبز نظاره گر باشیم.

فیروز ، خلیلی را میخواهد



سرمربی شاهین بوشهر در مورد وضعیت محسن خلیلی گفت: این بازیکن را می‌خواهیم. خلیلی آخرین پولی که گرفته مربوط به ۴ سال پیش است، باید مردم این نکته را هم در نظر بگیرند یک فوتبالیست ممکن است با یک مصدومیت زندگی‌اش از بین برود و درآمدی نداشته باشد. ما برای خرید خلیلی هیچ مشکلی نداریم به جز پول امیدوارم در نیم فصل به باشگاه کمک شود زیرا در غیر این صورت به مشکل برمی‌خوریم.

سرمربی شاهین در مورد اظهارات ابراهیم قاسم‌پور در مورد خودش گفت: خوب است هر مربی در حیطه کاری خودش حرف بزند و آدم نیز باید جنبه داشته باشد.

شاهین، انصاری فرد را زنده کرد



کریم انصاری فرد مهاجم ملی پوش تیم سایپا که در ۳ ماه اخیر دچار افت شدیدی شده و حتی جایگاه ثابت خود در تیم ملی را نیز از دست داده بود، در بازی امروز تیمش مقابل شاهین بوشهر بالاخره گلزنی کرد . او در نیمه اول گل دوم تیمش را زد و در لیگ برتر ۶ گله شد. فاصله بین گل پنجم و ششم او در لیگ برتر ۸۵ روز بود! آخرین بازی که انصاری فرد در لیگ برتر گلزنی کرده بود، به بازی مقابل مس کرمان برمی گشت که سایپا آن بازی را ۴-۲ برده بود و انصاری فرد یکی از گلهای تیمش را به ثمر رسانده بود. انصاری فرد در بازی مقابل فجرسپاسی نیز گلزنی کرد، اما آن گل چون با تاثیر مستقیم مدافع فجر وارد دروازه شده بود، گل به خودی حساب شد و بنابراین گلی به نام این بازیکن ثبت نشد.

فیروز کریمی پاسخگو نیست

فیروز کریمی حاضر نیست که پاسخگوی نتایج ضعیف شاهین باشد. وی در کنفرانس قبل از بازی با سایپا حاضر نشد و هنگامی هم که در یک نتیجه عجیب، شاهین ۳ بر هیچ مغلوب سایپا شد، باز هم در کنفرانس بعد از بازی حاضر نشد و اصغر کامیاب را به جای خود فرستاد. عدم حضور فیروز کریمی در کنفرانس های مطبوعاتی و عدم حضور علی دادگر مدیرعامل شاهین در بوشهر، باعث سردرگمی هواداران این تیم در خصوص نتایج ضعیف شاهین و وضعیت مالی این باشگاه شده است.